




University of Tehran Press

A comparative study of custody evaluation institution: a scientific and interdisciplinary approach in custody litigation

Azam Oladi Qadiklai¹ | Hajar Azari^{2✉}

- 1 Department of Women's Studies, Faculty of Humanities Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.
Email: azam.oladi@modares.ac.ir
2. Corresponding Author; Department of Women's Studies, Faculty of Humanities Tarbiat Modares University, Tehran, Iran. Email: h.azari@modares.ac.ir

Article Info	Abstract
<p>Article Type: Research Article</p> <p>Received: 2022/08/23</p> <p>Received in revised form: 2022/11/29</p> <p>Accepted: 2022/12/03</p> <p>Published online: 2023/06/22</p> <p>Keywords: <i>Comparative study, Custody disputes, custody evaluation, the best interests of the child, family law.</i></p>	<p>Custodian law and the judicial proceeding in child custody determination as is practiced today is reformed while public view has changed about childhood and how to treat children. Reforming Civil Law (1169) Act, however, was a new approach to social demands but family law judges have faced challenges because of the best interests concept remains an ambiguous one. Many legal systems designed custody evaluation as an interdisciplinary approach to help family law judges, lawyers and other professionals to settle child custody disputes. Custody evaluation helps parties who are unable to resolve their dispute to reach an agreement about child-related issues. The article first will present a literature review with a critical view to articulate the history and necessity of custody evaluation. The goal of this research is to explain custody evaluation in a comparative study to assess the capacity of Iranian legal system to apply it. The findings show divorcing families with special issues facing such as domestic violence, child abuse need comprehensive evaluation and forensic recommendation. Instead of the family law judge's emphasis and Iranian law capacity to apply some counseling centers to aid the judicial system in determining child custody dispute, there is still no such centers.</p>
How To Cite	Oladi Qadiklai, Azam; Azari, Hajar (2023). A comparative study of custody evaluation institution: a scientific and interdisciplinary approach in custody litigation. <i>Comparative Law Review</i> , 14 (1), 85-120. DOI: https://doi.com/10.22059/jcl.2022.347533.634410
DOI	10.22059/jcl.2022.347533.634410
Publisher	University of Tehran Press. 



University of Tehran Press

مطالعات حقوق تطبیقی

شاپا الکترونیکی: ۲۴۲۳-۳۴۰۴

دوره: ۱۴، شماره: ۱

بهار و تابستان ۱۴۰۲

Homepage: <https://jcl.ut.ac.ir>

مطالعه تطبیقی نهاد ارزیابی حضانت:

رویکردی علمی و بین‌رشته‌ای در دعاوی حضانت

اعظم اولادی قادیکلایی^۱، هاجر آذری^۲

۱. گروه مطالعات زنان، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران. رایانامه: azam.oladi@modares.ac.ir

۲. نویسنده مسئول؛ گروه مطالعات زنان، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران. رایانامه: h.azari@modares.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>نوع مقاله: پژوهشی</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۰۱</p> <p>تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۰۹/۰۸</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۱۲</p> <p>تاریخ انتشار برخط: ۱۴۰۲/۰۴/۰۱</p> <p>کلیدواژه‌ها: ارزیابی حضانت، دعاوی حضانت، محاکم خانواده، مصلحت کودک، مطالعه تطبیقی.</p>	<p>با تغییر نگرش جامعه درباره دوران کودکی و چگونگی مراقبت از کودک، روند تصمیم‌گیری حضانت دستخوش تغییر شد. اصلاح ماده ۱۱۶۹ قانون مدنی در سال ۱۳۸۲ اگرچه نوید همراهی قانون با خواست و مطالبات اجتماعی است، اما ابهام در تعیین مصادیق مصلحت کودک، و نبود مرکزی برای بررسی تخصصی آن، مشکل جدی برای دادرسی در تطبیق قانون با موضوع محل نزاع ایجاد می‌کند. نظام قضایی برخی از کشورها با اتخاذ رویکردی بین‌رشته‌ای نهاد ارزیابی حضانت را پایه‌گذاری نمودند تا رهیافتی برای همکاری بین قضات، وکلا و متخصصان غیرقضایی در حل و فصل اختلافات حضانت فراهم کنند. این مقاله با روش توصیفی تحلیلی و با رویکرد انتقادی ضمن مصاحبه با متخصصان حوزه کودک و قضات محاکم خانواده به بررسی ضرورت و تاریخچه شکل‌گیری نهاد ارزیابی حضانت در برخی کشورها در مقایسه با نظم کنونی حقوقی ایران می‌پردازد. این پژوهش با هدف تبیین ویژگی‌های نهاد ارزیابی حضانت، کاربرد این نهاد را در نظام قضایی ایران بررسی می‌کند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد، در فرایند تصمیم‌گیری دعاوی اختلاف حضانت، نبود نهادی تخصصی برای کمک به قضات، به تفسیر متفاوت از موضوعی واحد و صدور آرای حقوقی متفاوت و گاه متناقض منجر می‌شود که پیامدهای گوناگونی برای خانواده‌ها و کودکان درگیر به‌بار می‌آورد. ضمن حل و فصل پرونده‌های اختلاف حضانت در خانواده‌هایی که مشکلات خاصی (خشونت خانگی، اعتیاد، آزار کودکان و ...) دارند، نیازمند ارزیابی جامع و توصیه‌های مراقبتی روان‌پزشکان قانونی، کارشناسان و متخصصان حوزه کودک است. برخلاف تأکید قضات محاکم خانواده برای ایجاد نهادی تخصصی برای اخذ دیدگاه‌های کارشناسی در نظام قضایی ایران، متأسفانه با وجود ظرفیت‌های قانونی مراکز مشاوره خانواده در قانون حمایت خانواده سال ۹۱ که وفق ماده ۴۰ دستورالعمل اجرایی این قانون می‌توان از مشاوران مراکز مشاوره خانواده برای تعیین مصلحت کودک در دعاوی حضانت کمک گرفت، تاکنون تأسیس این مراکز برای بررسی و ارزیابی مشکلات و مسائل دعاوی حضانت عملیاتی و اجرایی نشده است.</p>
استناد	اولادی قادیکلایی، اعظم؛ آذری، هاجر (۱۴۰۲). مطالعه تطبیقی نهاد ارزیابی حضانت: رویکردی علمی و بین‌رشته‌ای در دعاوی حضانت. <i>مطالعات حقوق تطبیقی</i> ، ۱۴ (۱)، ۸۵-۱۲۰.
DOI	DOI: https://doi.com/10.22059/jcl.2022.347533.634410
ناشر	مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.



۱. مقدمه

طلاق یک اتفاق یا حادثه نیست، بلکه یک فرایند است. در فرایند طلاق نه فقط والدین بلکه کودکان نیز مستقیماً تحت تأثیر قرار می‌گیرند که متأسفانه در سیستم قضایی به این امر توجه جدی نمی‌شود (Ackerman, 2006: 86). محققان معتقدند تعارض و اختلافی که قبل از طلاق بین والدین وجود داشت نه تنها با طلاق از بین نمی‌رود، چه بسا در اکثر موارد به دلیل اختلافات تعیین حضانت و... تشدید می‌شود. در حالت ایدئال، والدینی که در حال طلاق و جدایی هستند، نباید در خصوص نگهداری و حضانت کودکان در مقابل آنان و یا از طریق آنها با یکدیگر نزاع کنند. اما از آنجایی که این والدین درگیر ترس‌ها و فقدان‌های خود هستند، قادر به همدلی با کودکان و تشخیص مصلحت آنها نیستند. گاهی اوقات قوانین هم بستری برای یکی از والدین ایجاد می‌کند که ضمن وجه‌المصالحه قرار گرفتن کودک، شرایط سوءاستفاده از حق نیز فراهم می‌شود. مواد ۱۱۶۸-۱۱۷۹ قانون مدنی مصوب ۱۳۱۴ در خصوص نگهداری و تربیت اطفال است. برابر ماده ۱۱۶۹ قانون مدنی، مادر بعد از طلاق برای فرزند ذکور تا دو سال و برای فرزند انثا تا هفت سال اولویت حضانت داشت. به محض اتمام دو یا هفت سالگی با طرح خواسته استرداد طفل از سوی پدر، رویه مرسوم محاکم خانواده، جدا کردن کودک از مادر و تحویل به پدر بود. صدور حکم صرفاً بر اساس آنچه در متون غیرقابل تغییر قانون آمده بود، مشکلی جدی و بدون راه‌حل واقعی برای زندگی افراد درگیر ایجاد می‌کرد؛ زیرا دادرسی باید به‌مانند فردی بی‌طرف عمل کرده، بدون داشتن حق دخل و تصرف در مقابل نص قانون، ملزم به اجرای آن باشد. در صحن دادگاه‌ها قضات با اعتراض والدین متارکه کرده، مواجه می‌شدند که حکم قانون را غیرعادلانه تصور می‌کردند. دادرسی نیز علی‌رغم کشمکش با وجدان خویش، در برابر قانون تسلیم بود و چاره‌ای جز اعطای حضانت پسر دوساله یا دختر هفت ساله به پدر نداشت (بندرچی، ۱۳۸۳: ۱۳۲).

مشکلات ناشی از ماده ۱۱۶۹ قانون مدنی، نشان از ناهمخوانی این ماده قانونی با مصلحت کودک به دلیل توجه نکردن به نیازمندی‌های مراحل مختلف رشد کودک و تحولات جامعه داشت. لذا طرح اصلاح آن در سال ۱۳۸۰ از سوی فراکسیون زنان مجلس شورای اسلامی مطرح و در تاریخ ۶ مرداد ۱۳۸۱ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. اما طرح اصلاح ماده یادشده به دلیل مغایرت با اصول شرع و قانون اساسی در شورای نگهبان مردود اعلام شد. با توجه به تأکید نمایندگان بر مصوبه خود، در راستای اجرای اصل یکصد و دوازدهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، این طرح برای تعیین تکلیف نهایی به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارجاع گردید. در جلسه رسمی مجمع مورخ ۸ آذر ۱۳۸۲، ماده واحده با تعدیل و الحاق تبصره‌های به آن به تصویب رسید.^۱ اما الحاق تبصره به مشکلات ناشی از این قانون از جمله

۱. تبصره الحاقی به ماده ۱۱۶۹ قانون مدنی: بعد از هفت سالگی در صورت حدوث اختلاف، حضانت طفل با رعایت مصلحت کودک به تشخیص دادگاه است.

«سوءاستفاده از حق» خاتمه نداده زیرا در دادگاه‌های خانواده ایران، تبصره الحاقی به ماده ۱۱۶۹ قانون مدنی، مثل تیغی دولبه است. از طرفی الحاق تبصره به ماده ۱۱۶۹ قانون مدنی دست دادرس را در فرایند دادرسی باز گذاشته و به جای درک ایدئالیستی و تفسیر خشک از متن قانون، فرصت درک تجربی و پدیدارشناسانه از قانون را برای او فراهم نموده است. از طرف دیگر سیال و ذهنی بودن مفهوم مصلحت، باعث استنباط سه نظریه از کنوانسیون حقوق کودک می‌شود: ۱- اصل مصلحت همان چیزی است که در ماده ۳ کنوانسیون بیان شده و تبیین مصادیق آن بسته به موضوعات و مسائل فرهنگی هر کشور متفاوت است؛ ۲- اصول چهارگانه و بنیادین کنوانسیون (شامل ماده ۲ عدم تبعیض، ماده ۳ مصلحت کودک، ماده ۶ حق زندگی، ماده ۱۲ مشارکت در روند اداری و قضایی) همگی مربوط به مصلحت کودک است و رعایت آنها در همه تصمیم‌گیری‌های مربوط به کودک لازم است؛ ۳- کلیه مواد کنوانسیون مصادیقی از مصلحت کودک هستند و به نوعی روح حاکم در کنوانسیون در ماده ۳ تجلی یافته است (غنی‌زاده بافقی، ۱۳۹۸: ۶۰۲). برداشت‌های متفاوت از مصلحت کودک سبب می‌شود معیارهای تعیین مصادیق آن در حوزه‌های مختلف زندگی وی (طلاق والدین، مدرسه، پناهندگی، معلولیت و...) متمایز از هم باشد؛ یعنی عامل و یا عواملی که در یکی از حوزه‌های نامبرده به مصلحت کودک است، متمایز از عامل یا عواملی است که در سایر حوزه‌ها مصلحت او را رقم می‌زند (کیخسروی و توحیدی، ۱۳۹۷: ۱۸۸).

در برخی کشورها با تغییر مفاهیم حقوق اساسی (عمومی)، تعریف جدیدی از دوران کودکی (با محوریت کودک) بیان شده است که رویه تعیین حضانت در محاکم خانواده را تغییر داد. تصمیم‌گیری در مورد حضانت همیشه به دشواری دوران کنونی نبود. قبل از قرن بیستم حضانت کودک بدون هیچ چالشی به پدر داده می‌شد زیرا هم توان مالی نگهداری از کودک را داشت و هم مالک او بود (Donohue & Bradley, 1999: 311). اما انقلاب صنعتی و دکتین «سال‌های کودکی»^۱ به برجسته شدن نقش مادر در تربیت کودک می‌انجامد (Kelly, 1994: 121). این عوامل به اولویت دادن مادر در حضانت کودک منجر شد (Ackerman, 2006: 1). سرانجام تحولات اجتماعی دهه ۱۹۶۰ و یافته‌های تحقیقات علوم اجتماعی درباره پیامدهای منفی طلاق بر کودکان و توجه به کودک به عنوان یک «انسان مستقل»^۲ متأثر از تحولات قرن بیستم و به دنبال آن تصویب کنوانسیون‌های بین‌المللی و در رأس آنها کنوانسیون حقوق کودک، به اولویت مادران در حضانت پایان داد. نظام اعطای حضانت با رویکرد

1. Tender Years

۲. دکتین «سال‌های کودکی» قاعده‌ای حقوقی است که از اواخر قرن نوزدهم بر مانند کودکان زیر دوازده سال نزد مادران بعد از طلاق تأکید می‌کند؛ به این جهت که مادران بهتر می‌توانند نیازهای کودکان را در این سال‌های حساس خردسالی برآورده سازند.

Hartenstein, J. L. (2016). Tender Years Doctrine. *Encyclopedia of Family Studies*

3. Autonomous Entity

والدمحور، به نظامی کودک محور و مبتنی بر مصلحت او، بر اساس مراحل متفاوت رشد وی، تبدیل شد. با تغییر قوانین حضانت، حل و فصل دعاوی اختلاف حضانت، برای قضات سخت و مشکل شد. به گونه‌ای که آنها نیازمند کمک سایر متخصصان این عرصه هستند. از دهه شصت میلادی در برخی کشورها در دعاوی اختلاف حضانت، نهادی برای ارزیابی شرایط کودک و والدین به منظور اتخاذ تصمیم نهایی بر مبنای مصلحت کودک، به قضات محاکم خانواده کمک می‌کند. قضات محاکم خانواده در این کشورها، (به‌ویژه آنهایی که معتقدند ارزیابی حضانت بستری علمی دارد)، نقش مهمی برای آن در دادرسی پرونده‌های پیچیده اختلاف حضانت قائل هستند (Kelly & Ramsey, 2009: 287).

از آن سالها تاکنون نهاد ارزیابی حضانت تلاش می‌کند با به‌کارگیری روش و مراحل علمی، اطلاعاتی درباره مصلحت کودک جمع‌آوری نموده، پس از تحلیل و تفسیر آنها در سایه یافته‌های مطالعات و تحقیقات علوم رفتاری، به دادگاه توصیه‌هایی بنماید (Gould, 1999: 160). این مقاله به روش توصیفی-تحلیلی و با رویکرد تطبیقی به سؤالات زیر پاسخ می‌دهد: ۱- مفهوم ارزیابی حضانت و ضرورت ایجاد این نهاد چیست؟ ۲- چه شاخص‌ها و دستورالعمل‌هایی برای انجام ارزیابی حضانت لازم است و چه کسانی صلاحیت اینکار را دارند؟ ۳- در پرونده‌های پیچیده فرایند ارزیابی حضانت چگونه است؟ در نهایت با نگاهی انتقادی و رویکردی تطبیقی به بررسی نهاد ارزیابی حضانت، امکان اتخاذ این رویکرد بین‌رشته‌ای و بومی‌سازی آن در محاکم خانواده ایران می‌پردازد.

۲. پیشینه نهاد ارزیابی حضانت

بررسی سیر تحولات قوانین حضانت نشان می‌دهد، در بسیاری از کشورها این قوانین در ابتدا به نفع پدران بود، زیرا پدران مالک تمام دارایی‌ها از جمله فرزندان بودند. اوایل قرن بیستم طبق دکتترین «سال‌های کودکی» مادران برای تربیت و پرورش فرزندان مناسب‌تر از پدران تشخیص داده شدند و قوانین حضانت اولویت را به مادران داد (Emery et al, 2005).

در دهه ۸۰ میلادی دکتترین «سال‌های کودکی» تحت تأثیر جنبش‌های فمینیستی و فعالیت‌های گروه‌های «طرفداران حقوق پدران» متحول شد (Massimillo Webster, 2022: 20). در دو قرن اخیر قوانین حضانت از مبنای تصمیم‌گیری حضانت با اولویت پدران به اولویت مادران و سپس قوانین غیرجنسیتی کنونی (بر مبنای مصلحت کودک و بر اساس تحولات و نیازمندی‌های مبتنی بر رشد کودک) تغییر یافت. استاندارد «مصلحت کودک» بدون در نظر گرفتن جنسیت والدین، در پی تنظیم «برنامه»^۱ زندگی کودک مبتنی بر مصلحت او است. نهاد ارزیابی حضانت ابزاری است برای رسیدن به این هدف که

فانکوره‌های «محافظت‌کننده و خطرآفرین»^۱ زندگی کودک را بررسی و ارزیابی می‌کند (Simon & Stahl, 2014: 40). از اوایل سال‌های ۱۹۶۰ با افزایش طلاق و تغییر قوانین حضانت تعداد پرونده‌های اختلاف حضانت بسیار افزایش یافت. والدین و محاکم خانواده با مسئله مهم ماهیت و چگونگی زندگی بعد از طلاق کودکان (Joan B. Kelly, 2007: 35)، و با این سؤال مهم که «آیا سیستم قضایی، امکان تعیین حضانت بر مبنای مصلحت کودک را دارد یا نه»، روبرو شدند. با فراگیر شدن معیار «مصلحت کودک» در تعیین حضانت، نظرخواهی از متخصصان غیرحقوقی به‌ویژه روان‌شناسان برای ارزیابی حضانت و حل و فصل پرونده‌های طلاق با تعارض و درگیری زیاد بین والدین، افزایش یافت (Hysjulien & Benjamin, 1994: 467). بنابراین برخی کشورها مثل نیوزیلند، استرالیا، کانادا، امریکا، انگلستان و ... مراکزی را به‌منظور تعیین مصلحت کودکان تحت عنوان نهاد ارزیابی تأسیس نمودند.

در ایران قبل از تصویب قانون مدنی و شکل‌گیری سیستم قضا، روحانیون طبق احکام فقهی به دعای مردم از جمله اختلافات خانوادگی رسیدگی می‌کردند. راجع به حضانت سه نظریه در فقه بیان شده است: ۱- حضانت حقی فردی محض، که ساده، قابل اسقاط و انتقال است و می‌تواند عوض طلاق خلع قرار گیرد. ۲- حضانت هم حق و هم تکلیف والدین است. ۳- حضانت نسبت به مادر حق و نسبت به پدر حق و تکلیف است. قانون مدنی ایران نظر دوم (قول مشهور فقها) را پذیرفته است (صفایی و همکاران، ۱۳۸۷: ۴۴۸). طبق نظر مشهور برای حضانت فرزند پسر تا دو سالگی و فرزند دختر تا هفت سالگی مادر اولویت دارد و پس از آن، حضانت حق و تکلیف پدر است. رویه فقهی بدون درنظر گرفتن مصلحت کودک، تنها به سن و جنسیت او برای تصمیم‌گیری درباره حضانت توجه دارد. در سال ۱۳۱۴ نظر مشهور فقها در تعیین حضانت، در قالب ماده ۱۱۶۹ قانون مدنی مصوب شد. طبق نص قانون یادشده، فرزند دختر هفت‌ساله و فرزند پسر دوساله بعد از اتمام مدت حضانت مادر، باید از وی جدا و تحویل پدر شوند. طبیعتاً جدا کردن کودک دوساله از مادر، تبعات و پیامدهای منفی (به دلیل نیاز کودک دوساله به مراقبت‌های مسئولانه و دلسوزانه و از طرف دیگر حساسیت و دلبستگی عاطفی مادر) به‌همراه خواهد داشت. تصویب این ماده پتانسیل سوءاستفاده از حق برای پدران و نارضایتی مادران را در پی داشته است. سالیان درازی به‌طول انجامید تا وجدان جمعی نخبگان و فرهیختگان، از تبعات و پیامدهای منفی ناشی از این قانون درباره افراد درگیر چنین پرونده‌هایی (به‌ویژه مادران) متأثر شود تا بتواند خرد جمعی جامعه ایران را برای تغییر قانون یادشده مجاب نماید. البته لازم به ذکر است تحولات جهانی در زمینه پذیرش حقوق کودکان و عدم تبعیض علیه زنان که در اسناد بین‌المللی حقوق بشری و کنوانسیون حقوق کودکان (۱۹۸۹) متجلی شد، در این زمینه بی‌تأثیر نبوده است. با اصلاح قانون ۱۱۶۹، هرچند دست دادرسان برای

تصمیم‌گیری بر مبنای مصلحت کودک باز گذاشته شده است، اما به دلیل ابهام در واژه مصلحت و تخصصی بودن مشکلات و مسائل در پرونده‌های اختلاف حضانت، متأسفانه شرایط دادرسی عادلانه به‌ویژه برای مادران فراهم نشد و مشکلات و مسائل افراد درگیر همچنان به قوت خود باقی ماند.

نکته قابل توجه اینکه ماده ۱۱۰۴ قانون مدنی ایران دلالت بر مشارکت و همکاری زوجین در تربیت اولاد دارد. اما در فرض طلاق، با اینکه ماده ۱۱۶۸ قانون مدنی نگهداری از اطفال را حق و تکلیف ابویان می‌داند، طبق ماده ۱۱۶۹ مادر در هفت سال اول زندگی کودک، بر پدرحق تقدم یا اولویت دارد. بعد از اتمام هفت سالگی حق حضانت از مادر ساقط شده، تکلیف از او برداشته می‌شود. بر اساس نص قانون، حضانت به‌عهده پدر است. مادر قانوناً حق دخالت یا تصمیم‌گیری درباره مسائل فرزند مثل آموزش، درمان، چگونگی مراقبت و ... ندارد؛ مگر در مواردی که وفق ماده ۱۱۷۳ خطر جسمی یا اخلاقی کودک را تهدید کند. در این موارد بار اثبات ادعا برعهده مدعی است. معمولاً در نبود مراکز تخصصی برای بررسی شرایط زندگی کودک و وضعیت سلامت جسمی، روانی و یا موقعیت اقتصادی و...، والد موردنظر، اثبات ادعا از سوی مدعی (معمولاً مادر) بسیار سخت و دشوار خواهد بود.

۳. ضرورت به‌کارگیری نهاد ارزیابی حضانت در دادگاه‌های خانواده

امروزه با پشت سر گذاشتن قوانین سنتی، افراد به دنبال احقاق حقوقشان هستند. دادگاه خانواده که تا چند دهه قبل فقط حقوق والدین را در نظر می‌گرفت، اکنون با رویکردی کودک‌محور به حقوق و تکالیف والدگری پدر و مادر می‌پردازد. به دنبال تغییرات یادشده، به‌کارگیری نهاد ارزیابی حضانت (به‌ویژه بررسی به روش استقرایی برای کاهش خطا و سوگیری) اجتناب‌ناپذیر است (Garber, 2020: 389). طرف‌داران رویکرد «تصمیم‌گیری بر اساس هر پرونده»^۲ معتقدند که وجود معیار و شاخص مناسب، اطلاعات کافی و مناسبی که ارزیاب بی‌طرف حضانت جمع‌آوری می‌کند، تحقیقات و پژوهش‌های معتبر در زمینه علوم اجتماعی و روان‌شناسی به قضات برای تصمیم‌گیری نهایی و قضاوتی بر حسب نیازهای هر کودک کمک می‌کند (Kelly, 1994: 129).

تغییرات چند دهه اخیر در قوانین و رویه قضایی طلاق در امریکا به مداخله بیشتر متخصصان بهداشت روان در پرونده‌های اختلاف حضانت کودکان منجر شده است. به‌ویژه در برخی پرونده‌های اختلاف حضانت موارد چالش‌برانگیزی (نظیر: ادعای سوءاستفاده جسمی و جنسی از کودک، وجود بیماری روانی در هریک از والدین، تعارض و اختلاف زیاد بین والدین، اعتیاد به الکل و...) وجود دارد که ارجاع

۱. ماده ۱۱۰۴: زوجین باید در تشدید مبانی خانواده و تربیت اولاد خود به یکدیگر معاضدت کنند.

2. Case- by- Case

این نوع پرونده‌ها به متخصصان بهداشت روان ضروری است. محققان با این فرض که اغلب قضات و وکلا در موارد یادشده اطلاعات و دانش کافی ندارند، انتظار دارند تصمیم‌گیران بر اساس دیدگاه‌های کارشناسی متخصصان بهداشت روان تصمیم بگیرند (Quinnell & Bow, 2001: 124). ارزیابی حضانت ممکن است از سوی والدین، وکیلشان یا دادگاه درخواست شود. پرونده‌های پیچیده و مشکل‌دار نیاز به ارزیابی حضانت جامع و کامل دارند. وجود اختلاف نظر در زمینه حضانت، وجود تعارض و اختلاف زیاد بین والدین از مشخصه‌های پرونده‌های پیچیده است. معمولاً در این نوع پرونده‌ها طرفین توانایی گفتگو با یکدیگر را ندارند، مشکلات عاطفی، موضوعات ناراحت‌کننده و متهم کردن والد دیگر، به عدم مراقبت از کودک شایع است. ارزیابی حضانت ابزاری علمی برای بررسی و سنجش متغیرهای علوم اجتماعی مانند «عملکردهای شناختی»^۱، «تحول عاطفی و رشدی کودک»^۲، «تعاملات بین فردی»^۳ و «عملکرد خانواده»^۴ است (Gould, 1999: 165).

اصلاح ماده ۱۱۶۹ قانون مدنی گامی رو به جلو در جهت تطبیق حقوق با نیازمندی‌های جامعه است، اما ابهام در تعیین مصادیق مصلحت کودک و نبود مرکزی برای بررسی تخصصی مصلحت کودک دادرس را در تطبیق قانون با موضوع محل نزاع با مشکل جدی روبرو می‌کند. وجود ابهام در متن قانون از مواردی است که ضرورت تفسیر را پیش می‌آورد. اما در تفسیر قوانین همواره باید به دو ارزش متعالی حقوق «نظم» و «امنیت و عدالت» توجه شود. نکته مهم اینکه باید روشی برای تفسیر قانون اتخاذ شود، تا جمع بین این دو ارزش مهم محقق شود. ادراک انسان از وقایع و رویدادها، مبتنی بر آگاهی و شناخت اوست. بر این اساس، درک و فهم انسان‌ها متفاوت است. از آنجایی که دادرسان انسان‌های برخاسته از متن جامعه خود هستند، تحت تأثیر عوامل مختلف محیطی، اجتماعی و فرهنگی مشابه و یکسان نمی‌اندیشند. بعضاً در مواجهه با موضوعات مشابه تصمیماتی متفاوت می‌گیرند (الشریف و آرابی، ۱۳۹۶: ۷). تفسیر متفاوت دادرس از مصلحت نوعی (همگانی) و مصلحت فردی (شخصی) کودک در دعاوی اختلاف حضانت منجر به صدور آرای متفاوت با پیامدهای گوناگون بر افراد درگیر شده است. درحالی که دادرسان برای قضاوتی واقع‌گرایانه باید تفسیر مناسبی از قانون با توجه به شرایط خاص هر کودک، مصلحت و مراحل رشدی او در دعاوی اختلاف حضانت داشته باشند (ناطق نوری، ۱۳۸۹: ۱۶۶-۱۶۵).

علاوه بر تبصره الحاقی ماده ۱۱۶۹ که مصلحت طفل را مهم‌ترین عامل تصمیم‌گیری در هنگام اختلاف والدین در باب حضانت کودک می‌داند، ماده ۴۵ قانون حمایت خانواده سال ۹۱ نیز رعایت غبطه

-
1. Cognitive Functioning
 2. Emotional Development
 3. Interpersonal Relationship
 4. Family Functioning

و مصلحت کودکان در کلیه تصمیمات دادگاه‌ها و مقامات اجرایی را الزامی می‌داند. با وجود نص صریح دو ماده پیش‌گفته بر رعایت مصلحت کودک، قانون راجع به معیار و شاخص مصلحت، چگونگی و روش تعیین آن ساکت است. بنابراین، روشن نبودن معیار و مبنای مصلحت موجب ابهام در موارد اختلافی خواهد شد (روشن و حمدی، ۱۳۹۸: ۱۴). همچنین عدم صراحت قانون درباره چگونگی تعیین مصلحت و غفلت از ضرورت به کارگیری رویکرد بین‌رشته‌ای در وضع قوانین خانواده، مانع دادرسی عادلانه می‌شود. قوانین خانواده علاوه بر حل منازعات خانوادگی باید برای درک عوامل پیچیده و مؤثر بر خانواده، به تصمیم‌گیران محاکم خانواده کمک کنند تا با رفع هرگونه ابهام و اجمال قانون، مانع تضییع حقوق افراد شوند. بنابراین، لازم است ضرورت ایجاد نهاد ارزیابی حضانت در نظام حقوقی ایران مورد مذاقه و بررسی واقع شود. اما متأسفانه در رویه مرسوم قضایی، سن کودک عامل تعیین‌کننده است، یعنی به محض پایان هفت سال حضانت به‌عهده پدر خواهد بود. پاسخ یکی از دادرسان مشارکت‌کننده در پژوهش حاضر مؤید این موضوع است: ... قضات شعب معمولاً خودشان مصلحت کودک را تشخیص می‌دهند. معمولاً مصلحت کودک بر این است که طفل بعد از هفت سال تحویل پدر شود.

۴. شاخص‌ها و دستورالعمل‌های استاندارد برای انجام ارزیابی حضانت

در دادگاه‌های خانواده ایران با اینکه برای کمک به فرایند تصمیم‌گیری نهایی، قضات بر ضرورت انجام ارزیابی تخصصی در اختلافات حضانت تأکید دارند، به دلیل نبود مرکزی تخصصی برای انجام ارزیابی، رویه و دستورالعمل واحدی در این باره وجود ندارد. لذا قضات در برخی پرونده‌ها سلیقه‌ای عمل می‌کنند. معمولاً در دعاوی اختلاف حضانت قضات پرونده را برای أخذ نظر کارشناسی به مددکاری مجتمع قضایی، پزشکی قانونی و ... ارجاع می‌دهند. گاه برخی از قضات و یا مددکاران مجتمع‌های قضایی سعی می‌کنند از ظرفیت‌های نهادهای خصوصی استفاده کنند. همه این موارد حاکی از این است که نبود مراکز تخصصی متمرکز و واحد برای بررسی و شناخت عوامل فردی و خانوادگی مؤثر بر مصلحت کودک، فرایند تصمیم‌گیری صحیح قضات در این زمینه را مختل می‌کند. ذهنی و سیال بودن مفهوم مصلحت کودک، و نبود معیار و سنجه عینی برای تعیین آن، حتی برای کشورهایی که به‌دنبال استفاده از نهاد ارزیابی حضانت بودند ایجاد مشکل کرد، زیرا در آغاز کار، دادگاه‌های خانواده و والدین درکی از مفهوم «ارزیابی جامع حضانت»^۱ نداشتند. نمی‌دانستند این کار چگونه باید انجام شود و یا چه مواردی باید بررسی شود. بنابراین برای حل این مشکل و انجام ارزیابی حضانت صحیح و علمی، شاخص‌ها و دستورالعمل‌های استاندارد پیشنهاد شد.

1. The Comprehensive Child Custody Evaluation

در سال ۱۹۷۰ «کمیساریای کنگره ملی قوانین یکنواخت ایالتی»^۱ اولین استاندارد و دستورالعمل را پیشنهاد داد. این استاندارد در نظر گرفتن متغیرهایی مثل خواست والدین؛ تمایل و خواست کودک؛ چگونگی تعامل و ارتباط بین کودک و والدین، رابطه کودک با «خواهران و برادران»^۲ و سایر افراد مهم؛ «انس و الفت داشتن»^۳ کودک با خانه، مدرسه و محله؛ در نظر گرفتن سلامت جسمی و روانی افراد درگیر را توصیه می‌کرد. (Max Werner, 1987: 1). بعد از مدتی دو سازمان تخصصی «انجمن روان‌شناسان امریکا»^۴ و «انجمن دادگاه‌های صلح خانواده»^۵ دستورالعمل‌ها و استانداردهایی منتشر کردند. این دستورالعمل‌ها اهداف، مسائل تکنیکی و مراحل انجام ارزیابی حضانت را مشخص کردند (Bow & Quinnell, 2002: 162). به موازات سایر جنبش‌ها، در حوزه روان‌پزشکی قانونی نیز حرکت‌هایی به منظور بهبود راهنماها و دستورالعمل‌های فرایند ارزیابی حضانت ایجاد شد. در طی چند سال گذشته، نوع و کیفیت فرایند ارزیابی حضانت به دقت مورد بررسی قرار گرفت. این حرکت با اقدام مهم «شاپیرو»^۶ آغاز و به دنبال آن با مدل ارزیابی «گریس»^۷ کتب مرجع «ملتون، پتریلا، پویترس و سلوبون»^۸ تکمیل شد. همچنین «آکادمی روان‌پزشکی کودک و نوجوان امریکا»^۹ و «جامعه متخصصان ضد سوء استفاده از کودکان امریکا»^{۱۰} نیز دستورالعمل‌هایی برای ارزیابی حضانت منتشر کردند (Gould, 1999: 160-162). چند سال پس از انجام ارزیابی حضانت، محققان بر اهمیت دو عنصر اصلی روش‌شناختی (شامل جمع‌آوری و تفسیر اطلاعات) در این حوزه تأکید کردند (Virtue, 2011: 345). اگرچه هیچ‌یک از دستورالعمل‌ها نسبت به دیگری کارآمدتر نیستند، اما می‌توانند چارچوب استاندارد برای بهبود کیفیت ارزیابی حضانت ایجاد کنند. دستورالعمل‌ها باید چهار حوزه مهم زیر را در فرایند ارزیابی حضانت مشخص کنند:

الف) چه کسی باید ارزیابی را انجام دهد؛

ب) در چه بستر و زمین‌های باید ارزیابی صورت گیرد؛

ج) چه روشی باید به کار گرفته شود؛

د) چه نتایجی باید به دادگاه گزارش شود.

به‌کارگیری روش استاندارد برای ارزیابی حضانت، از تأثیر تفاوت‌های فردی ارزیابان بر فرایند ارزیابی

1. National Conference of Commissioners on Uniform State Laws
2. Siblings
3. Adjustment
4. The American Psychological Association
5. Association of Family and Conciliation Court
6. Shapiro
7. Grisso
8. Melton, Petrila, Poythress, & Slobogin
9. The American Academy of Child and Adolescent Psychology
10. The American Professional Society on the Abuse of Children

می‌کاهد. اگر روش جمع‌آوری اطلاعات در فرایند ارزیابی یکسان باشد، احتمال خطای ارزیابان در مرحله بررسی و جمع‌آوری اطلاعات کاهش می‌یابد. فایده دیگر به‌کارگیری روش استاندارد، اطمینان از انجام یک سری مشاهدات و بررسی‌های رفتاری خاص در هر پرونده است (Gould, 1999: 165-166). وجود یک دستورالعمل استاندارد علاوه بر رفع ابهام و سهولت در انجام کار، از جهت دیگر هم می‌تواند به نفع ارزیابان باشد؛ مثلاً وقتی طرفین دعوی از توصیه‌های بیان‌شده در ارزیابی ناراضی هستند و ارزیاب را به اهمال‌کاری متهم می‌کنند، ارزیاب می‌تواند در برابر این اتهام از خود دفاع کند (Babb et al, 2009: 6) و ثابت نماید که مطابق با دستورالعمل استاندارد اقدام نموده است. علی‌رغم دستورالعمل مصوب و استانداردهای مشخص برای انجام ارزیابی حضانت از سوی انجمن روان‌شناسان امریکا و انجمن دادگاه‌های صلح خانواده، چگونگی انجام ارزیابی هنوز برای عده‌ای از ارزیابان مبهم و ناشناخته است. در پژوهش میدانی انجام‌شده از سوی نگارندگان در دادگاه‌های خانواده تهران، در خصوص نحوی تعیین مصلحت کودکان ذیل ماده ۱۱۶۹ قانون مدنی، با ۳۵ قاضی و وکیل مصاحبه شد. مصاحبه‌شوندگان در پاسخ به این سؤال که آیا وجود نهادی تخصصی می‌تواند در تعیین مصلحت کودک به قاضی کمک کند، بیان کردند: چون تعداد پرونده‌ها بسیار زیاد و وقت جلسه دادرسی بسیار محدود است، ایجاد چنین نهاد تخصصی قطعاً کمک‌کننده است. نکته قابل‌توجه اینکه تمامی مصاحبه‌شوندگان تأکید داشتند که ارزیابی باید به روش علمی و از سوی افراد مجربی که در زمینه روان‌شناسی کودک و خانواده تخصص دارند، صورت گیرد تا به سرنوشت ناکارآمدی نهادهای موجود (نهاد داور و مشاوره خانواده) دچار نشود. به نظر مصاحبه‌شوندگان عملکرد نهادهای موجود عموماً صوری و غیرواقعی است. بنابراین نه تنها موجب سهولت فرایند رسیدگی در دادگاه‌های خانواده نیستند، به‌نوعی اسباب اطاله دادرسی را ایجاد می‌کنند.

۵. چه کسانی صلاحیت ارزیابی حضانت را دارند؟

به علت وجود تعارض و اختلاف زیاد بین طرفین دعوی، ارزیابی حضانت کودک یکی از پیچیده‌ترین موضوعات در نظام قضایی است. در نتیجه استرسی که والدین در فرایند جدایی و طلاق تجربه می‌کنند، حتی موضوعات بسیار ساده و پیش‌پا افتاده نیز می‌تواند، تغییرات چشمگیر در خلق و خوی و نحوه رفتار آنان ایجاد کند. طولانی شدن فرایند دادرسی و تحمل استرس مداوم، مهارت‌های ارتباطی طرفین دعوی را مختل می‌کند. طرفین برای تقویت مهارت‌های ارتباطی نیاز به راهنمایی و کمک دارند تا بتوانند در شرایط بهتری تصمیم بگیرند (Bailey et al., 2020: 525). لذا یک ارزیاب حضانت علاوه بر آشنایی با سیستم قضایی باید مهارت‌هایی مختلفی مثل رشد و آسیب‌شناسی روانی کودک؛ آسیب‌شناسی رفتار بزرگسالان؛ تئوری‌های سیستمی خانواده و موضوعات خاص (شامل ادعای خشونت خانگی، سوءاستفاده

جنسی، آزار جسمی و یا ترکیبی از آنها) داشته باشد. باید نقاط قوت و ضعف رفتاری، عاطفی و جسمی والدین را با کمک تست‌های روان‌شناختی و سایر روش‌ها بررسی کند. ارزیابان حضانت معمولاً متخصصان بهداشت روان، حقوق‌دانان، روان‌شناسان، مددکاران و یا جامعه‌شناسانی هستند که با هدف تعیین صلاحیت و شایستگی هریک از والدین، آنها را مورد ارزیابی قرار می‌دهند. ارزیاب حضانت برای بررسی واقعیت‌های پرونده اختلاف حضانت، علاوه بر به‌کارگیری روش‌های علمی و معتبر برای جمع‌آوری اطلاعات، برای تحلیل اطلاعات جمع‌آوری شده، باید از نتایج تحقیقات در حوزه‌هایی مثل طلاق، رشد کودک و پویایی خانواده (چرخه زندگی خانوادگی) بهره ببرد، تا گزارشی معتبر و قابل استناد برای دادگاه تهیه کند (Simon & Stahl, 2014: 37).

بر اساس مطالعات میدانی نگارندگان در ایران، به دلیل نبود نهادی برای انجام ارزیابی تخصصی در پرونده‌های اختلاف حضانت، معمولاً قضات دادگاه‌های خانواده رویه واحدی ندارند. این امر گاهی اوقات سلیقه‌ای عمل کردن قضات و تشتت آرا در موضوع واحد را به دنبال دارد. معمولاً در دعاوی اختلاف حضانت، برخی از قضات پرونده را برای أخذ نظر کارشناسی به مددکاری مجتمع قضایی، پزشکی قانونی و... ارجاع می‌دهند. گاهی برخی قضات و یا مددکاران مجتمع‌های قضایی سعی می‌کنند از ظرفیت‌های نهادهای خصوصی استفاده کنند. کارشناسان مراکز خصوصی به دلیل اینکه از آنها حمایت قانونی نمی‌شود، نظر صریح و روشن درباره مصلحت کودک نمی‌دهند. مسئول فنی یکی از نهادهای خصوصی در پاسخ به این سؤال که آیا پس از بررسی از شرایط کودک و والدین در پاسخ به نامه ارجاعی از دادگاه خانواده، مشخص می‌کنید زندگی با کدام والد به مصلحت کودک است؟ بیان داشت: ... به‌طور کلی حتی اگر درمانگر در بررسی از شرایط کودک و والدین به این نتیجه برسد که مثلاً زندگی با یکی از والدین (مادر یا پدر) به مصلحت کودک است، به خاطر تبعات بعدی که ممکن است برایش داشته باشد، این نظر را در پاسخ به نامه دادگاه منعکس نمی‌کند...

در نظام حقوقی ایران، پزشکی قانونی ضابطه قوه قضاییه است، اما برای بررسی پرونده‌های ارجاعی از محاکم خانواده در زمینه تعیین مصلحت، به‌کارگیری روان‌شناسانی که در حوزه کودک و خانواده تخصص و تجربه داشته باشند، مرسوم نیست. اما در کشورهایی که انجام ارزیابی حضانت در پرونده‌های اختلاف حضانت مرسوم است، از متخصصان مختلف شامل بهداشت روان، حقوق‌دانان، روان‌شناسان، مددکاران و یا جامعه‌شناسان، با هدف تعیین صلاحیت و شایستگی هریک از والدین کمک می‌گیرند. ارزیاب حضانت برای بررسی واقعیت‌های پرونده تعیین حضانت علاوه بر به‌کارگیری روش‌های علمی و معتبر، برای تحلیل اطلاعات جمع‌آوری شده از یک پرونده خاص، باید از نتایج تحقیقات در حوزه‌هایی مثل طلاق، رشد کودک و پویایی خانواده (چرخه زندگی خانوادگی) آگاه باشد تا بتواند گزارشی معتبر و قابل استناد برای دادگاه تهیه کند (Simon & Stahl, 2014: 37). در نظام قضایی ایران به دلیل نبود مراکز تخصصی متمرکز و واحد، فرایند تصمیم‌گیری صحیح قضات در زمینه تعیین مصلحت کودک در اختلافات حضانت مختل می‌شود.

۶. ارزیابی حضانت در پرونده‌های خاص

در دعاوی اختلاف حضانت منظور از پرونده‌های خاص و پیچیده، دعاوی است که یکی از موارد ذیل و یا چند مورد از آن در آنها وجود دارد: اجتناب کودک از ارتباط با یک والد (غریبگی/تنفر والدی)، آزار جسمی/جنسی کودک؛ سوء مصرف مواد (مثل: الکل، مواد مخدر...)، خشونت خانگی.

(الف) اجتناب کودک از ارتباط با والد (غریبگی / تنفر والدی)

ادعاهایی نظیر کودک‌آزاری، آزار جنسی، خشونت خانگی و «سندروم تنفر والدی» همگی در پرونده‌های اختلاف حضانت شایع است. یکی از مشکل‌ترین بررسی‌های ارزیابی حضانت زمانی است که ادعای سوءاستفاده جنسی در خانواده مطرح است. یکی از مهم‌ترین دلایلی که قضات پرونده را به ارزیاب حضانت ارجاع می‌دهند، وجود ادعای سوءاستفاده جنسی از کودک است (Quinnell & Bow, 2001: 124). چگونگی ارزیابی حضانت در پرونده‌هایی که در آن ادعاهایی مثل «تنفر والدی»^۱ و یا خشونت خانگی مطرح می‌شود، در ذیل بحث می‌گردد.

۱. غریبگی

«غریبگی»^۲ به حالتی اطلاق می‌شود که کودک به دلایل موجه مثل اینکه والد موردنظر سابقه رها کردن کودک و یا آزار و اذیت او را دارد، از وی اجتناب می‌کند و حاضر به ارتباط با او نیست (Bernet et al., 2020: 1). رفتاری است که برخی اوقات در بچه‌های طلاق دیده می‌شود. حالتی است که کودک از ارتباط با یک والد اجتناب می‌کند. کودک به شدت از یک والد متنفر است یا از او می‌ترسد. این حالت ممکن است موقتی باشد که در این صورت خانواده به این مشکل اهمیت نمی‌دهد و برای حل آن به متخصص بهداشت روان مراجعه نمی‌کند. اما اگر رفتار اجتنابی کودک از والد دائمی باشد، نشان‌دهنده مسئله جدی در خانواده است. بیانگر این موضوع است که مشکل ارتباطی خاصی بین کودک و والد وجود دارد. باید حتما علت‌یابی شود. دلایل اصلی این مشکل، غریبگی، و تنفر والدی است. تفکیک بین این دو مشکل بسیار مهم است، زیرا روش درمان هر یک از آنها متفاوت است. کودکانی که به انحای مختلف در معرض آسیب‌های ناشی از اختلافات شدید در فرایند طلاق واقع شدند، ارتباط نامناسب با یک والد دارند. این کودکان نیازمند کمک دادگاه‌های خانواده و سایر متخصصان هستند (Fidler & Bala, 2020: 265). اجتناب کودک از یک والد (چه با دلیل موجه و یا بدون دلیل) به هر حال این نوع ارتباط بین والد و کودک به مصلحت کودک نیست.

1. Alienation
2. Estrangement

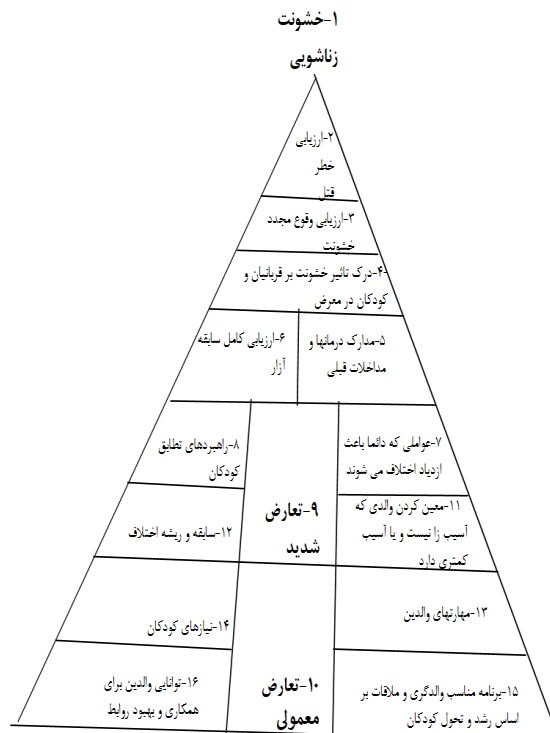
۲. ادعای تنفر والدی

ادعای تنفر والدی بیشتر در پرونده‌هایی که مادر قربانی خشونت خانگی است، مطرح می‌شود. در پرونده‌هایی که تنفر والدی وجود دارد، موضوع بسیار پیچیده است و نیاز به ارزیابی کامل و جامع از سوی روان‌پزشکان دارد. باید همه عوامل تأثیرگذار شناسایی و میزان تأثیر آنها بر رفتار کودک مورد بررسی قرار گیرد. کودک که تا قبل از این پدیده، رفتار قابل قبول و مناسبی با والدین داشت، به طور ناگهانی حاضر با ملاقات و ارتباط با یک والد نیست. در اغلب جدایی‌ها و طلاق، رابطه والد-کودک مختل می‌شود. اما در پدیده «تنفر والدی» این رابطه بیمارگونه و آسیب‌زا است. برای شناخت صحیح این پدیده برنامه‌ای اساسی برای انجام مداخلات حقوقی، قضایی و درمانی ضروری است (Joan B. Kelly & Johnston, 2001: 264). اکثر محققان (Garber, 1996; Gardner, 1998; Lund, 1995; Warshak, 2002a, 2002b: cited by Gardner, 2004: 613) معتقدند در بعضی پرونده‌ها، عوامل متعددی مثل اذیت و آزارهای (جسمی، کلامی، عاطفی و جنسی)، ره‌اشدن از سوی یک والد، شرایط سنی کودک و... سبب می‌شود کودک حاضر به ملاقات، دیدار و یا ارتباط با والد دیگر (پدر یا مادر) نیست. گاردنر (۲۰۰۴) «تنفر والدی» را تک عاملی (ناشی از رفتار والد مورد علاقه کودک) معرفی و نوعی سندروم و آسیب روانی نام‌گذاری کرده است (Gardner, 2004: 612-614). ادعای گاردنر چون فاقد مبنای علمی بود مورد نقد قرار گرفت. به نظر میرسد، برخی با استفاده از تئوری جنسیت‌محور «تنفر والدی» به دنبال بی‌اعتبار کردن ادعاهای خشونت خانگی و کودک‌آزاری در دعاوی حضانت هستند (Fischel-wolovick, 2020: 247). در صورتی که اگر مشکلات رفتاری کودکان در پرونده‌های پیچیده و با ادعای خشونت خانگی بدون بررسی دقیق فقط به تئوری «تنفر والدی» نسبت داده شود، مشکلات قربانیان تحت‌الشعاع این ادعا قرار می‌گیرد و سبب می‌شود در این نوع پرونده‌ها با توصیف مشکلات به جای تحلیل آنها، قربانیان خشونت خانگی در معرض خطر قرار گیرند (Fidler & Bala, 2020: 268). حوزه‌های حقوق، بهداشت روان و دادگاه‌های خانواده در زمینه تشخیص اولیه و زود هنگام موارد بحرانی مثل (تنفر والدی) باید با هم همکاری جدی داشته باشند. همکاری بین حوزه‌های مختلف منجر می‌شود برنامه‌های بهتری برای خانواده‌هایی که بعد از طلاق «تنفر والدی» در آنها به وجود می‌آید، تهیه شود (Joan B. Kelly, 2010: 89).

ب) خشونت خانگی

در دعاوی حضانت، پرونده‌های زیادی با ادعای خشونت خانگی یا همراه با ادعای بدسرپرستی و سوءاستفاده از کودکان و آزار آنها مطرح می‌شود (Joan B Kelly & Johnson, 2008: 477-488). مدارک بسیاری نشان می‌دهد که قضات و سایر متخصصان محاکم خانواده نقش خشونت خانگی را در

تعیین حضانت جدی نمی‌گرفتند (4: Stark et al, 2019). قبلاً خشونت خانگی مسئله بزرگسالان تلقی می‌شد و ارتباطش با مصلحت کودک ناشناخته بود. فلسفه دادگاه‌های خانواده کاستن از تعارض و اختلاف طرفین دعوی و ارائه راه‌حل‌های مشارکتی است (با این نگرش که رویکرد مشارکتی به مصلحت کودک است). بر این اساس، از اکثر والدین خواسته می‌شود اختلافات گذشته را کنار گذاشته، با در نظر گرفتن مصلحت کودکان با هم همکاری کنند. اما در پرونده‌های اختلاف حضانت با ادعای خشونت خانگی، باید اولویت دادگاه خانواده از حل تعارض و اختلاف و تشویق طرفین به کنار گذاشتن آن، سرعت بخشیدن به حل اختلاف و یا رویکرد مشارکتی تغییر کند. رویکرد اغلب محاکم خانواده باید در جهت محافظت از کودکان و قربانیان خشونت باشد. چون رویه معمول دادرسی چنین نیست، وقتی قربانی خشونت خانگی برای دعوی حضانت به دادگاه خانواده مراجعه می‌کند سیستم را پاسخگو نمی‌بیند. بنابراین تقابل بین فلسفه دادگاه‌های خانواده و روند دادرسی در پرونده‌هایی که در آن ادعای خشونت خانگی وجود دارد، باید تغییر کند (جف و همکاران، ۲۰۰۹: ۱۷۰). چارچوبی هرمی شکل برای ارزیابی حضانت در پرونده‌هایی که ادعای خشونت خانگی مطرح است در سه سطح (تعارض و اختلاف معمولی، تعارض شدید، و خشونت نسبت همسر) مطرح می‌شود که در ادامه بحث خواهد شد.



چارچوب بررسی ادعای خسونت خانگی در ارزیابی حضانت (جف و همکاران، ۲۰۰۹: ۱۷۷).

- 1 Spousal violence
- 2 Assess for risk of homicide
- 3 Assess for risk of recurrence of violence
- 4 Understanding the impact of violence on victims and children exposed
- 5 Documentation of coping strategies and previous interventions
- 6 Thorough assessment of history of all forms of abuse/collateral sources
- 7 Factors that prompt ongoing conflict
- 8 Children's coping strategies
- 9 High conflict
- 10 Normal conflict
- 11 Identification of less or non-toxic parent
- 12 History / source of conflict
- 13 Parent's skills
- 14 Children's needs
- 15 Developmentally appropriate parenting plan and contact schedule
- 16 Parent's ability to cooperate and promote relationship

در پرونده‌هایی که ادعای خشونت خانگی مطرح می‌شود، فرایند ارزیابی جامع و جمع‌آوری اطلاعات کامل بسیار پیچیده است. معمولاً در این خانواده‌ها علاوه بر سابقه خشونت خانگی، استفاده از سلاح گرم، سوء مصرف مواد، «رفتارهای قهرآمیز همراه با اجبار» (Controlling and Stalking Behavior)، خطر خودکشی یا دگرکشی (قتل) و سوء سابقه قضایی وجود دارد. اگر بررسی و ارزیابی خشونت خانگی به دقت صورت نگیرد، ممکن است خطرهای بالقوه در این نوع خانواده‌ها از نظرها پنهان بماند. از آنجا که هدف اصلی ارزیابی حضانت توجه به نیازهای کودکان است، در پرونده‌هایی پیچیده مثل مواردی که ادعای خشونت خانگی در آن مطرح می‌شود هم این نکته مهم است و باید همواره مد نظر باشد (Jaffe, et al, 2009: 177-178). خشونت خانگی فاکتوری بحرانی و اساسی است که باید در ارزیابی حضانت و تهیه گزارش برای ارائه به دادگاه در نظر گرفته شود. اما کسانی که موافق رویکرد مشارکتی و والدگری مشترک در حضانت هستند، معتقدند در ادعای خشونت خانگی مبالغه صورت می‌گیرد. قانون‌گذار خشونت خانگی را به رسمیت شناخته، اما تغییر در دادگاه‌های خانواده به کندی رخ می‌دهد. معمولاً ادعای خشونت در پرونده‌های حضانت یک عامل بحرانی در نظر گرفته نمی‌شود، تا ارزیابی تخصصی با دانش و مهارت ویژه برای انجام مداخلات لازم صورت گیرد. بلکه آن را نوعی تعارض و اختلاف می‌بینند که در این نوع پرونده‌ها عادی است و باید حل شود.

مشکلات ارتباطی کودک-والد در قوانین حضانت ایران مغفول مانده است. فقط در ماده ۲۳ آیین‌نامه اجرایی قانون حمایت خانواده^۱ مصوب ۱۳۹۳ بدون بررسی علت، به امتناع طفل از ملاقات و دیدار والد اشاره می‌کند. چنانچه نظر کارشناس، آسیب روانی ناشی از ملاقات را برای کودک تأیید کند، اجرای حکم حضانت و یا ملاقات با نظر دادگاه به تعویق می‌افتد. درحالی که لازم است در چنین پرونده‌هایی به کمک ارزیابی علمی و دقیق علت مشکل احراز شود و مداخلات قضایی-درمانی لازم صورت گیرد. بسیاری از کشورها مستند به ماده ۳ کنوانسیون حقوق کودک که بر رعایت «مصلحت کودک» تأکید می‌کند، قریب به چهل سال است در دعاوی اختلاف حضانت از متخصصان بهداشت روان با آموزش‌های ویژه در زمینه پزشکی قانونی، حقوق، قوانین حضانت و سرپرستی و روان‌شناسی کودک (Massimillo Webster, 2022: 22) کمک می‌گیرند، اما در ایران نبود مرکزی تخصصی برای ارزیابی حضانت، باعث می‌شود

۱. ماده ۲۳ آیین‌نامه اجرایی قانون حمایت خانواده: در مواردی که طفل به هر دلیل از ملاقات امتناع کند، اجرای احکام با هماهنگی دادگاه تدابیر لازم از جمله ارجاع به مددکار اجتماعی یا مرکز مشاوره خانواده برای جلب حمایت طفل اتخاذ نماید. اگر با توجه به نظر مشاور/ روانشناس مرکز فوق و قرائن موجود برای دادگاه محرز شود اجرای حکم حضانت یا ملاقات کودک به سلامت روانی وی آسیب وارد خواهد کرد، اجرای احکام می‌تواند با کسب موافقت دادگاه تا فراهم شدن آمادگی طفل اجرای حکم را به تأخیر اندازد.

حتی ارجاع پرونده‌های اختلاف حضانت به مراکز مشاوره خانواده (یا سایر مراکز) برای اخذ نظر کارشناسی مورد غفلت قرار گیرد. بر اساس مطالعات میدانی این پژوهش، تعداد بیست رأی صادره (دعای حضانت مورد اختلافی ماده ۱۱۶۹ از سال ۹۱ تا ۹۳) از جهت ارجاع به مراکز مشاوره خانواده یا سایر مراکز بررسی شد. تنها در شش پرونده (دو مورد ارجاع به مددکار، یک مورد ارجاع به روان‌شناس، یک مورد ارجاع به پزشکی قانونی، یک مورد ارجاع به مراجع انتظامی و یک مورد ارجاع به گواهان خواهان) از نظر کارشناسی استفاده شد. در ۱۴ پرونده اصلاً ارجاع به کارشناس صورت نگرفت.

۷. دادگاه‌های خانواده ایران و رویکرد بین‌رشته‌ای در دعاوی حضانت

بر اساس مطالعات میدانی این پژوهش و مستند به سایر پژوهش‌های مرتبط، در دادگاه‌های خانواده ایران برای حل و فصل دعاوی حضانت، دو رویه زیر مرسوم است:

الف) دسته اول، دعاوی‌ای که سن کودکان زیر سن بلوغ بوده، دادگاه‌ها در مقام رسیدگی به اختلاف حضانت والدین موضوع ماده ۱۱۶۹، بسته به اینکه صدر و یا ذیل ماده یادشده را چگونه تفسیر کنند، آرای متفاوت و گاه متناقض صادر کرده‌اند که در شکل شماره ۱ برخی از آنها آورده شده است:

در پرونده ردیف ۱ شکل شماره ۱، حضانت دو برادر با اختلاف سنی دو سال به مادر واگذار شد. به محض اینکه فرزند بزرگ‌تر به هفت سالگی رسید، پدر دادخواستی مبنی بر درخواست حضانت فرزند بزرگ‌تر طرح نمود که قضات دادگاه بدوی و تجدیدنظر رأی به حضانت پدر و جدایی دو برادر از یکدیگر دادند. در شرح پرونده توافق والدین مبنی بر واگذاری حضانت به مادر تا سن بلوغ شرعی ذکر شده بود. قاضی دادگاه بدوی نه تنها به توافق به عمل آمده میان طرفین در حین طلاق واقعی نهناده، بلکه عدول از توافق طرفین را ممکن و بدون درنظر گرفتن شرایط کودک او را از فرزند دیگر که زیر سن هفت سال و در حضانت مادر است جدا نمود. دادگاه تجدیدنظر هم حکم را تأیید کرد. به نظر می‌رسد آرای اصدار یافته، نه در جهت تأمین مصلحت کودکان، بلکه در راستای حل و فصل قانونی صرف پرونده بوده است. آرای صادره در پرونده ردیف ۲ شکل پیوست شماره ۱، در نقطه مقابل آرای اصدار پرونده شماره ۱ شکل یادشده است. در پرونده ردیف ۲، قاضی دادگاه بدوی با استناد به نتایج علوم اجتماعی و قاضی دادگاه تجدیدنظر با تأکید بر نظریه پزشکی قانونی جدایی بین فرزندان را به صلاح و مصلحت آنها ندانسته است. تحقیقات بسیاری در خانواده‌های طلاق نقش خواهر و برادر را در کاهش استرس و سازگاری با موقعیت تنش‌زا مثبت ارزیابی می‌کنند. واضح است تفاسیر متفاوت قضات از ماده قانونی یادشده، پیامدهای متفاوتی بر زندگی کودکان طلاق و زنان به‌جا خواهد گذاشت. دادگاه‌های خانواده به جای تأکید صرف بر حل و فصل قانونی پرونده‌ها باید بر حل مسئله و «دادرسی درمان‌مدار» تمرکز کنند و به‌جای تمرکز صرف بر متن قانون بر مصلحت کودک تأکید کنند.

در پرونده شماره ۳ شکل پیوست شماره ۱، قاضی تجدیدنظر بدون توجه به شرایط پرونده با استناد به صدر ماده ۱۱۶۹ صرفاً با رسیدن کودک به هفت سال، حضانت را به پدر واگذار نمود. موضوع خواسته پرونده‌های شماره ۴ و ۵ یکسان است (مادر خواهان واگذاری حضانت کودک زیر هفت سال به پدر است). در پرونده ردیف ۴، قاضی حکم به واگذاری حضانت به پدر داد، اما در پرونده ردیف ۵، قاضی با طرح قاعده «تکلیف دانستن» حضانت کودک زیر هفت سال برای مادر، حکم به رد دعوی خواهان داد. با دقت در آرای صادره درمی‌یابیم، حجم بالای پرونده‌ها در دادگاه‌های خانواده فرصت بررسی کافی را به قضات نمی‌دهد. از طرف دیگر، تعیین مصلحت کودکان از مواردی است که به همکاری میان‌رشته‌ای و بین‌رشته‌ای علم حقوق با علمی مثل روان‌شناسی، جامعه‌شناسی نیاز دارد. تفسیر متفاوت و سلیقه‌ای قضات از ماده ۱۱۶۹ نتایج و پیامدهای گوناگونی برای خانواده‌ها و کودکان درگیر به‌بار می‌آورد. این امر بر ضرورت ایجاد نهادی تخصصی برای بررسی همه‌جانبه وضعیت و موقعیت زندگی کودک که والدینش در حال طلاق هستند، می‌افزاید.

ب) دسته دوم، پرونده‌هایی است (شکل شماره ۲) که به دلیل اینکه فرزندان مورد اختلاف به سن بلوغ رسیده‌اند، دادگاه‌ها با انشای جمله‌ای کلیشه‌ای «دادگاه در این موارد با تکلیف مواجه نیست» و با استناد به این امر که حضانت مختص اطفال بوده، با رسیدن به سن بلوغ موضوع حضانت منتفی می‌شود و فرزند حق دارد با هریک از والدین که می‌خواهد زندگی کند، از خود سلب مسئولیت می‌کنند و حکم ردّ دعوی و یا عدم استماع صادر می‌نمایند؛ غافل از اینکه مشکل این خانواده‌ها همچنان به قوت خود باقی است. در اغلب جدایی‌ها و طلاق، رابطه والد-کودک مختل می‌شود، اما در برخی پرونده‌ها با پدیده «تنفر والدی» که بیمارگونه و آسیب‌زا است، مواجه‌ایم؛ یعنی کودکی که تعارض و درگیری زیادی بین والدینش وجود دارد، دچار شرایط روحی می‌شود که ضمن همراهی با یک والد، گاه بدون هیچ توجیه مشروعی از ارتباط با والد دیگر خودداری می‌کند. در چنین شرایطی نمی‌توان انتظار داشت که کودک در انتخاب یکی از والدین برای زندگی، تصمیم درستی بگیرد. حتی اگر چنین فرضی در پرونده متصور نباشد، آیا دختر ۹ ساله و پسر ۱۵ ساله قادرند چنین تصمیم مهمی را به‌تنهایی اتخاذ کنند؟ برای اخذ چنین تصمیمی آنها باید در جایگاه افراد بالغ قرار گرفته، بیش از ظرفیت عاطفی و عقلی و طبق مصلحت خود برای زندگی آینده تصمیم بگیرند که با کدام والد زندگی کنند. قرار دادن کودک در چنین شرایطی، دادن مسئولیت بیش از اندازه و محروم کردن وی از دوران کودکی اوست (Rešetar & Emery, 2008: 73).

در ردیف شماره ۷ شکل شماره ۲، دادرس دادگاه بدوی با کسب نظر فرزند و در نظر گرفتن تمایل او، حکم به ماندن طفل در نزد مادر داد. درحالی که قاضی دادگاه تجدیدنظر بنا به سن کودک رای دادگاه بدوی را نقض کرد و حکم به ردّ دعوی داد. سؤالی اینجا مطرح می‌شود، وقتی زوجین سابق خودشان قادر به حل مسئله حضانت نیستند و دقیقاً به همین دلیل به دادگاه مراجعه می‌کنند و دادگاه نیز در این شرایط

تکلیفی برای صدور حکم برای خود لحاظ نمی‌کند، تعارضات و اختلافات کجا و از سوی چه مرجعی باید حل شود. در چنین وضعیتی کودکان تاوان نارسایی و خلأ قانون را باید بپردازند. پرونده‌های شماره ۸ و ۱۰ شکل شماره ۲، دادرسی بدوی با أخذ نظر کارشناس با استناد به ذیل ماده ۱۱۶۹ قانون مدنی، مصلحت کودک را در این دید که نزد مادر بماند. لکن در هر دو مورد قاضی تجدیدنظر با استناد به سن کودکان رأی بر نقض دادنامه بدوی و رای بر بطلان درخواست خواهان داد. این گونه به نظر می‌رسد تا زمانی که موضوع سن حضانت در قانون حل نشود، تبصره الحاقی ماده ۱۱۶۹ را نمی‌توان در جهت مصلحت کودکان به کار گرفت. از طرفی در برخی پرونده‌ها قضات خلاقیت متفاوتی به کار می‌بندند برای نمونه به نظر می‌رسد ردیف ۱۲ شکل فوق رویه‌ای معارض با سایر آرا است. زیرا در این دادنامه قاضی خروج از حضانت را طبق نظر امام خمینی علاوه بر بلوغ متوقف بر رشد هم دانسته است. با توجه به اینکه در موارد سکوت قانون طبق اصل ۱۶۷ قانون اساسی، قضات مجوز مراجعه به فتاوی فقهای مشهور را دارند (آذری و طباطبایی حصاری، ۱۳۹۶: ۱۰)، چنانچه این رویه در تعیین سن خروج از حضانت بین قضات محترم فراگیر شود، امید می‌رود مصلحت کودکان بهتر تأمین گردد.

در مورد زمان پایان حضانت، در محاکم دو دیدگاه وجود دارد. برخی سن رشد را پایان حضانت در نظر گرفته و عده‌ای بلوغ را پایان حضانت قلمداد می‌کنند. دیدگاه دوم نظر رایج و غالب در محاکم و دادگاه‌ها است. هر کدام از این دیدگاه‌ها آثار حقوقی متفاوتی به دنبال دارد و سبب می‌شود دادگاه‌ها در موضوع واحدی مثل پایان حضانت اختلاف نظر داشته، احکام متفاوت صادر کنند (انصاری پور، ۱۳۹۹: ۶۴۸).

۸. نتیجه

ارزیابی حضانت به معنای بررسی جسمی و روانی - رفتاری اعضای خانواده و روابط بین آنها به منظور تأمین مصلحت کودک در تعیین حاضن مناسب از سوی روان‌پزشک، روان‌شناس یا سایر متخصصان است. در حالت ایدئال، هدف ارزیابی حضانت کمک به دادگاه برای گرفتن تصمیم منطقی به منظور مراقبت از کودکانی است که والدینشان طلاق می‌گیرند. والدینی که در فرایند طلاق قادر به توافق در مورد حضانت و مسائل مربوط به آن نیستند. موضوع اصلی ارزیابی حضانت، تهیه اطلاعات معتبر برای دادگاه است که بر اساس آن، والد مناسب برای حضانت کودک انتخاب می‌شود. ارزیابی حضانت بی طرف است و توصیه‌های آن به جای اینکه پیش‌فرض‌های معمول جامعه یا حتی قانون را در مورد حضانت در نظر بگیرد، بر اساس نیازهای هر خانواده عمل می‌کند. هدف اصلی ارزیابی جلب توافق والدین نیست، بلکه می‌خواهد والدین را به جای تمرکز بر اختلافاتشان نسبت به نیازهای کودک آگاه کند. در فرایند دادرسی اختلافات خانوادگی، قاضی علاوه بر دانش قضایی، به علوم رفتاری و روان‌شناسی رشد کودک نیز نیازمند است که نهاد ارزیابی حضانت این خلأ را جبران می‌کند. در واقع، ارزیابی حضانت ضمن توصیه‌هایی به دادگاه، برنامه جامع

برای بازتوانی والدین و رفع نقاط ضعف آنها ارائه می‌دهد. ارزیابی حضانت در کنار هدف اولیه و اصلی‌اش (که تهیه اطلاعات عینی و بی‌طرفانه و ارائه گزارش کارشناسی به دادگاه در پرونده‌هایی است که ادعای آسیب جسمی و روانی به کودکان مطرح می‌باشد) می‌تواند با کاستن از اختلافات والدین و توجه دادن آنها به نیازهای کودکان، در دستیابی بخشی از اهداف دادرسی درمان‌مدار، نقش داشته باشد.

نتایج تحقیقات تأکید می‌کند که ارزیابی جامع خانواده‌هایی که مشکلات خاص دارند، از سوی روان‌پزشکان قانونی به‌منظور توصیه‌های مراقبتی ویژه لازم است. برخی روان‌شناسان بر اهمیت «غربالگری، بررسی، ارزیابی و مداخلات ترومامحور»^۱ در چنین پرونده‌هایی تأکید می‌کنند (Fidler & Bala, 2020: 267). پژوهشگران بر این باورند در پرونده‌های پیچیده و موارد بحرانی، اگر به توصیه‌های مراقبتی ارزیابان حضانت در دادگاه توجه نشود، یقیناً مصلحت کودک رعایت نخواهد شد. در این پرونده‌ها بخشی از رویکردهای چندگانه ارزیابی باید در جهت مراقبت از قربانیان خشونت خانگی، آزار جنسی و اعتیاد صورت گیرد.

در نظام قضایی ایران، تاکنون مرکز مشاوره خانواده مطابق با شرایط مندرج در قانون حمایت خانواده ۱۳۹۱ شروع به کار نکرده است. ایجاد چنین مرکز مشاوره‌هایی در کنار دادگاه خانواده، اگرچه از نوآوری‌های قانون حمایت خانواده جدید است، لکن به زعم برخی محققان ساختار و صلاحیت آن با نهاد دآوری هم‌پوشانی دارد؛ به‌گونه‌ای که کارآمدی این نهاد را با تردید مواجه می‌کند (هدایت‌نیا، ۱۳۹۵: ۱۱۹). در حال حاضر، مراکز مشاوره طلاق توافقی در عمل موفق نبوده، جز اتلاف وقت زوجین و تحمیل هزینه‌های اضافی نتیجه دیگری در پی نداشته است (سعیدی گراغانی و کیخا، ۱۳۹۷: ۱۰۵). اگرچه نهاد مشاوره خانواده موجود برای ارائه دیدگاه‌های تخصصی و کارشناسی به قاضی برای تعیین مصلحت کودک صلاحیت لازم را ندارد، در عین حال در حال حاضر به‌کارگیری آن در پرونده‌های تعیین حضانت مرسوم نیست. قانون مجری مراکز مشاوره به جهت نواقص موجود، کارایی لازم را ندارد و این امر اصلاح قانون حمایت خانواده را ضروری نموده است (محسنی، ۱۳۹۶: ۱).

نکته پایانی اینکه، نگرش سنتی در نظام قضایی ایران، مانع ورود دیدگاه‌های علمی و بین‌رشته‌ای به‌ویژه در موضوعات مربوط به خانواده و دعاوی حضانت شده است. در اختلافات حضانت، نبود نهادی تخصصی برای ارزیابی وضعیت والدین تأثیراتی منفی بر کودکان دارد. پژوهش میدانی نگارندگان درباره رویه مرسوم قضایی نشان می‌دهد، ابهام در تبصره ماده ۱۱۶۹ قانونی مدنی و تفسیر متفاوت قضات از مصلحت کودک، به صدور آرای متفاوت منجر شده است. تفسیر قضات از موضوعی واحد (تعیین حضانت) و معین نبودن پایان حضانت در قانون، منجر به صدور آرای متفاوت حقوقی شده که پیامدهای گوناگونی برای خانواده‌ها و کودکان درگیر به‌دنبال داشته است.

شکل‌ها

شکل شماره ۱

ردیف	شماره دادنامه / تاریخ	خواهان	خوانده	رای دادگاه
1	93099702230 01041 30/6/1393	پدر	مادر	در طلاق توافقی، حضانت دو فرزند پسر ۴ و ۶ سال به زوجه سپرده می‌شود. به محض رسیدن سن یکی از فرزندان به ۷ سال، پدر درخواست حضانت کودک را می‌نماید و دادگاه بدوی بدون أخذ نظر کارشناسی رأی بر جدایی کودکان می‌دهد و دادگاه تجدیدنظر رأی تصدیق را خلاف شرع و قانون ندانسته، آن را تأیید نمود.
2	93099702245 01270 4/9/1393	پدر	مادر	حضانت دو فرزند برعهده مادر است. پدر دادخواستی مبنی بر خواسته استرداد فرزند اول که در حال حاضر بیشتر از هفت سال دارد، می‌دهد. دادگاه بدوی با توجه به خردسال بودن فرزند دوم که سن او یک سال و هفت ماه است، و نظر به تمایل فرزند بزرگتر بر ماندن نزد مادر، جدایی و مفارقت بین دو فرزند را به مصلحت فرزندان ندانسته، رأی بر ردّ دعوی خواهان صادر می‌کند. دادگاه تجدیدنظر نیز رأی دادگاه بدوی را تأیید می‌نماید.
3	93099702224 01472 28/8/1393	پدر	مادر	خواهان با ارائه صیغه‌نامه‌ای مبنی بر ادعای ازدواج مجدد مادر، تقاضای حضانت کودک را داشت. دادگاه بدوی رأی به حضانت خواهان داد. در واخواهی، واخواه (مادر) اظهار نمود که مدت صیغه یک‌ماهه بود و با داشتن حق بذل در حال حاضر در قید زوجیت شخصی نیست. لذا با توجه به تمایل کودک، دادگاه اعتراض واخواه (مادر) را ثابت تشخیص داد. در مرحله تجدیدنظر، قاضی رأی صادره دادگاه بدوی را مطابق مستندات موجود در پرونده ندانست، زیرا فرزند مشترک متولد ۱۳۸۶/۱/۹ می‌باشد و بر اساس نص ماده ۱۱۶۹ قانون مدنی فرزند مشترک از سن حضانت مادر خارج است. دادگاه تجدیدنظر رأی صادره دادگاه بدوی را نقض کرده، به استناد ماده ۱۱۶۹ ماده ۱۲۵۷ قانون مدنی حکم به ردّ دعوی واگذاری حضانت فرزند مشترک به مادر را صادر می‌نماید.
4	93099702224 01472 26/8/1393	مادر	پدر	موضوع خواسته، تحویل حضانت فرزند ۴ ساله پسر به پدر است. دادگاه بدوی به دلیل عدم اقامه ادله متقن مبنی بر عدم توانایی خواهان بر نگهداری فرزند، دعوی خواهان را ثابت و محقق ندانسته، حکم به ردّ دعوی داد. دادگاه تجدیدنظر اعتراض خواهان را وارد دانست و حکم به تحویل فرزند به تجدیدنظرخوانده (پدر) صادر می‌کند.

شماره دادنامه / تاریخ	خواهان	خوانده	رای دادگاه
93099702224 01524 9/ 9/ 1393	مادر	پدر	خواسته خواهان، تحویل فرزند دختر ۳ ساله به پدر می باشد که دادگاه بدوی با توجه به مصلحت کودک رأی به بطلان دعوی صادر می کند. دادگاه تجدیدنظر نیز با استناد به اینکه تکلیف نگهداری مادر از کودک تا هفت سالگی قابل اسقاط نیست، دادخواست تجدیدنظرخواهی را رد و رأی دادگاه بدوی را تأیید نمود.
93099702247 01370 17/ 8/ 1393	مادر	پدر	در حکم طلاق، حضانت کودک دختر در آستانه هفت سالگی به پدر واگذار شد. خواهان دادخواست مبنی بر حضانت کودک مطرح نمود که از سوی دادگاه بدوی به این دلیل که کودک در آستانه هفت سالگی است و حضانت بعد از آن برعهده پدر می باشد، رأی بر رد دعوی خواهان صادر کرد. دادگاه تجدیدنظر دادخواست تجدیدنظرخواه (مادر) را وارد دانسته، با توجه به اینکه تقویم سن کودک از هفت سالگی عبور نکرده، به مصلحت کودک است که نزد مادر باشد.
93099702247 01199 15/ 7/ 1393	مادر	پدر	دادگاه بدوی دادخواست حضانت خواهان برای فرزند دختر سه ساله را به دلیل تغییر محل سکونت خواهان که با حق ملاقات خوانده مغایر است، رد نمود. دادگاه تجدیدنظر صدور حکم به رد درخواست مادر دایر بر رد حضانت مادر و تفویض آن به پدر [با نبود] و احراز عدم صلاحیت مادر و عدم رعایت مصلحت طفل را صحیح ندانسته، رأی به حضانت خواهان (مادر) صادر کرد.
92099702240 00760 14/5/ 1392	پدر	مادر	در دادگاه بدوی، دادخواست خواهان (پدر) مبنی بر حضانت کودک بعد از سن هفت سالگی، علی رغم اظهارات خوانده (مادر) مبنی بر اینکه کودک بعد از جدایی پنج سال نزد وی بسر برده و وابستگی شدید به مادر دارد، پذیرفته شد و حکم به حضانت پدر صادر شد. دادگاه تجدیدنظر علاوه بر انس و الفت کودک با مادر، با عنایت به ازدواج مجدد پدر، زندگی کودک با او را به مصلحت طفل ندانست و ضمن نقض رأی دادگاه بدوی، رأی به رد دعوی تجدیدنظرخوانده (پدر) صادر کرد.
93099702230 01512 12/ 9/ 1393	پدر	مادر	با توجه به اظهارات خوانده که در مقام دفاع اظهار داشته است: «خواهان نمی تواند از طفل نگهداری کند. ایشان را نزد پدر بزرگ می گذارد. دو سال است که فرزند مشترک را ندیده است و من از لحاظ مالی نیز توان نگهداری طفل را دارم»، دادگاه بدوی با توجه به اظهارات وکیل خواهان که زوج ازدواج کرده است، حضانت کودک را بعد از ۷ سالگی به مادر سپرد. لکن دادگاه تجدیدنظر رأی را نقض کرده، رأی به حضانت تجدیدنظرخواه (پدر) داد.

شکل شماره ۲

ردیف	شماره دادنامه / تاریخ	خواهان	خوانده	خواسته	رأی دادگاه بدوی	رأی دادگاه تجدیدنظر
1	930998 229030 1060 08/20/ 1394	پدر	مادر	سلب حضانت فرزند مشترک	توجهاً فرزند مشترک بالغ می‌باشد، لذا انتخاب اقامت با پدر یا مادر به اراده فرزند متکی است، لذا طرح دعوی قانونی نبوده قابلیت استماع ندارد.	در مورد دعوی مطروحه ایشان به طرفیت مشارالیهها به خواسته حضانت فرزند مشترکشان (س. ۱۰ ساله) قرار عدم استماع دعوی صادر گردیده، دادگاه تجدیدنظرخواهی را وارد نمی‌داند.
2	930997 022450 1397 23/ 90/ 1393	مادر	پدر	صدور حکم حضانت فرزند مشترک	نظر به اینکه موضوع حضانت نسبت به اطفال پس از رسیدن به سن بلوغ منتفی شده و اطفال پس از رسیدن به سن بلوغ با هر کدام از والدین که بخواهند می‌توانند زندگی کنند و در موضوع خواسته دو تن از فرزندان به نامهای ف. و ن. به سن بلوغ رسیده‌اند، لذا دادگاه در مورد حضانت ایشان فارغ از اظهار نظر است. در مورد فرزند ۱۱ ساله که خواهان درخواست حکم حضانت دارد، جدا کردنش از خواهر و برادر به مصلحت نبوده، حکم به حضانت مادر صادر می‌گردد.	تجدیدنظرخواهی آقای ف.ق. به طرفیت خانم م.ق. در حکم حضانت صادره وارد نمی‌باشد. زیرا رأی بر اساس مقررات و موازین قانونی صادر شده و ایرادی از حیث ماهوی یا شکلی به آن وارد نیست و استدلال محکمه محترم بدوی و نیز مستندات آن صحیح می‌باشد و تجدیدنظرخواه دلیل یا دلایلی که موجبات نقض و یا بی‌اعتباری دادنامه را فراهم نماید، ارائه ننموده است.

ردیف	شماره دادنامه / تاریخ	خواسته	خواسته	رای دادگاه بدوی	رای دادگاه تجدیدنظر
3	930997 090830 0122 40/30/1 393	طلاق به علت ازدواج مجدد زوج بدون رضایت زوج و درخواست حضانت فرزند دختر ۹ ساله	طلاق به علت دوم رأی با توجه به دو فرزند ۲۰ و ۲۳ ساله که دادگاه تکلیفی ندارد، اما در خصوص حضانت فرزند سوم دختر ۹ ساله مادر درخواست حضانت وی را دارد، با استناد به ذیل ماده ۱۱۶۹ حکم به حضانت مادر داد.	دادگاه بدوی با طلاق موافقت نموده، در بخش فرزند ۹ ساله قمری دادگاه، حضانت را منتفی دانسته و تصمیم را به خود دختر واگذار کرده است. در نهایت به علت فرجام خواهی خوانده (پدر)، رأی دادگاه تجدیدنظر در شعبه ۲۳ دادگاه دیوان عالی کشور ابرام شد.	دادگاه تجدید نظر استان فارس در مورد حضانت دختر ۹ ساله قمری دادگاه، حضانت را منتفی دانسته و تصمیم را به خود دختر واگذار کرده است. در نهایت به علت فرجام خواهی خوانده (پدر)، رأی دادگاه تجدیدنظر در شعبه ۲۳ دادگاه دیوان عالی کشور ابرام شد.
4	920997 022110 1204 21 /70/ 1392	صدور حکم حضانت فرزند مشترک	نظر به اینکه فرزند مشترک بنام ر. متولد ۱۳۸۳ بوده و به سن تکلیف رسیده است و بر اساس مقررات قانون مدنی پس از رسیدن به سن تکلیف موضوع حضانت منتفی می باشد. و طفل به تصمیم خود نزد هر کدام از والدین که بخواهد زندگی می کند.... قرار عدم استماع دعوی صادر و اعلام می نماید.	... در خصوص حضانت فرزند مشترک به نام ر. ده ساله به لحاظ بلوغ حکم بر رد دعوی تجدیدنظر خواه به خواسته حضانت فرزند مشترک صادر شده است نظر به اینکه دادنامه تجدیدنظر خواسته مطابق دلایل موجود در پرونده و وفق مقررات قانونی صادر گردیده است در خصوص حضانت فرزند مشترک به نام ر. ده ساله به لحاظ بلوغ حکم بر رد دعوی تجدیدنظر خواه به خواسته حضانت فرزند مشترک صادر شده است نظر به اینکه دادنامه تجدیدنظر خواسته مطابق دلایل موجود در پرونده و وفق مقررات قانونی صادر گردیده است ...

ردیف	شماره دادنامه / تاریخ	خواسته	خواهان	خوانده	رأی دادگاه بدوی	رأی دادگاه تجدیدنظر
5	920997 022400 1099 13/ 70/ 1392	الزام خواننده به تحویل فرزند مشترک	مادر	پدر	... پس از هفت سالگی تا سن بلوغ پدر اولویت بر حضانت دارد و خواننده نیز دلیلی بر عدم صلاحیت خواهان ابراز نداشته فلذا دادگاه دعوی خواهان را ثابت و وارد تشخیص داده و مستنداً به ماده ۱۱۶۸ قانون مدنی و ۱۱۶۹ اصلاحی همان قانون حکم به محکومیت خواننده به تحویل کودک مزبور به خواهان جهت حضانت از وی صادر و اعلام می‌دارد....	... نظر به اینکه فرزند مشترک دختر می‌باشد و برابر قانون سن بلوغ در دختران ۹ سال قمری است و پس از سن بلوغ فرزند شخصاً تصمیم می‌گیرد که با کدام یک از والدین زندگی را ادامه دهد و از سن حضانت خارج گردید لذا رأی صادره دادگاه بدوی و استدلال آن صحیح نمی‌باشد لذا مستنداً به ماده ۳۵۸ قانون آیین دادرسی مدنی، ضمن نقض دادنامه تجدیدنظر خواسته مستنداً به ماده ۱۲۵۷ قانون مدنی حکم به رد دعوی خواهان بدوی صادر و اعلام می‌گردد این رأی قطعی است.

ردیف	شماره دادنامه / تاریخ	خواسته	خواسته	خواسته	رأی دادگاه بدوی	رأی دادگاه تجدیدنظر
6	920997 022470 0786 16/ 50/ 1392	سلب حضانت و سرپرستی فرزند	سلب حضانت و سرپرستی فرزند	سلب حضانت و سرپرستی فرزند	با توجه به اینکه حسب مقررات قانونی حضانت مخصوص اطفال می‌باشد، یعنی کسانی که به سن بلوغ شرعی نرسیده‌اند که دختران ۹ سال می‌باشد، لهذا بعد از ۹ سالگی از حضانت خارج می‌شود و دیگر مصداق طفل بر چنین افرادی مصداق ندارد و به عبارت دیگر، بعد از ۹ سالگی دختر مشترک مخیر است که نزد هر یک از پدر یا مادر که بخواهد باشد. لهذا دادگاه دعوی خواهان را وارد تشخیص نداده، مستنداً به مواد تبصره ۱ مواد ۱۲۱۰ و ۱۱۶۸ و ۱۱۷۰ و ۱۱۷۱ و ۱۱۷۵ قانون مدنی حکم به رد دعوی خواهان صادر و اعلام می‌نماید.	... تجدیدنظرخواهی آقای ح.ع. نسبت به رأی موضوع دادنامه شماره ۳۰۹ - ۹۲/۲/۳۱ صادره از شعبه ۲۳۹ دادگاه عمومی خانواده که بر رد درخواست تجدیدنظرخوانده دایر بر سلب حضانت پدر نسبت به فرزند ۱۱ ساله اشعار دارد، به لحاظ رسیدن فرزند مشترک به سن رشد و خروج از سن حضانت، وارد نیست. زیرا رأی تجدیدنظرخواسته موافق موازین قانونی و با رعایت اصول و قواعد دادرسی صادر گردیده و ایراد اساسی متوجه آن نمی‌باشد.

ردیف	شماره دادنامه / تاریخ	خواسته	خواهان	خوانده	رأی دادگاه بدوی	رأی دادگاه تجدیدنظر
7	920997 022240 0538 09/04/1 392	حضانت فرزند مشترک	مادر	پدر	... رأی صادره دادگاه بدوی مقرر است مربوطه صادر نگردیده است، زیرا فرزند مشترک ده ساله بوده، با توجه به اینکه دختر می باشد از سن حضانت پدر و مادر خارج است و به استناد ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی خود در این گونه امور می تواند تصمیم بگیرد که نزد مادر زندگی کند یا نزد پدر. دادگاه وصف مذکور نمی تواند نسبت به موضوع حضانت اتخاذ تصمیم کند لذا این دادگاه با عنایت به مراتب مذکور به استناد ماده ۳۵۸ قانون آیین دادرسی رأی صادره دادگاه بدوی را نقض کرده، به استناد ماده ۱۲۱۰ ناظر به ماده ۱۲۵۷ قانون مدنی حکم به رد دعوی خواهان، واگذاری حضانت فرزند مشترک صادر می گردد. رأی صادره قطعی است.	... دادگاه از توجه به این که فرزند مشترک بیشتر از ۹ سال قمری سن دارد و در سنی است که حق انتخاب با خودش بوده و با توجه به اینکه فرزند مشترک با حضور در دادگاه اعلان نموده تمایل دارد نزد مادرش بماند، لذا دادگاه خواسته خواهان را موجه دانسته و به استناد ماده ۴۱ قانون حمایت خانواده مصوب ۹۱/۱۲/۱ حکم به حضانت فرزند مشترک به نام م.م. به مادرش صادر و اعلان می گردد ...

ردیف	شماره دادنامه / تاریخ	خواسته	خواهان	خوانده	رأی دادگاه بدوی	رأی دادگاه تجدیدنظر
8	910997 022402 322 29/ 11/ 1391	صدور حکم حضانت فرزند	مادر	پدر	دادگاه با عنایت به مراتب سنی فرزند مذکور و با استناد به ماده ۱۱۶۹ قانون مدنی (اصلاحی ۱۳۸۲/۹/۸ مجمع تشخیص مصلحت نظام) که مقرر داشته برای حضانت و نگهداری طفلی که ابوبین او از یکدیگر جدا زندگی می کنند، مادر تا سن هفت سالگی اولویت دارد و پس از آن با پدر است؛ دعوی خواهان را موجه و قانونی دانسته و حکم به اعطاء حضانت فرزند به خواهان صادر و اعلام می گردد.	تجدیدنظرخواهی آقای ع.ق. نسبت به رأی موضوع دادنامه شماره ۰۰۸۶ - ۹۱/۱/۲۸ صادره از شعبه ۲۴۴ دادگاه عمومی خانواده که بر حضانت فرزند مشترک به نام س. متولد س.ق. در حق واخوانده صادر شده است از این حیث وارد و موجه است که مادر فردی تحصیل کرده و پزشک می باشد و از خانواده محترم شهدا بوده و در دوران حضانت طفل تا سن هفت سالگی نهایت تلاش را در ارتقاء فرهنگی و تربیتی و علمی طفل به عمل آورده است. مضافاً بر اینکه طفل دختر که در آستانه بلوغ است نیاز بیشتری به مشاوره و بیان درخواست های خصوصی با مادر دارد. لذا دادگاه ادامه حضانت طفل با مادر را به مصلحت طفل و مادر را اصلح و أحفظ تشخیص می

ردیف	شماره دادنامه / تاریخ	خواسته	رأی دادگاه بدوی	رأی دادگاه تجدیدنظر
9	910997 022110 2159 28/ 11 / 1391	به خواسته حضانت دو فرزند مشترک (۱- الف. دوازده و نیم ساله شمسی، ۲- الف. ده ساله و چهار ماهه شمسی)	فرزندان مذکور خارج از سن طفولیت بوده و هر دو بالغ محسوب می‌شوند و طفل محسوب نمی‌گردند و فرزندان مذکور خودشان حق تصمیم‌گیری برای ادامه حضانت توسط والدین دارند و دادگاه در این خصوص صلاحیت تعیین حضانت را نداشته و ندارد بنابراین دادگاه دعوی مطروحه را غیر وارد تشخیص و با استناد به ماده ۱۲۵۷ قانون مدنی ناظر بر مواد ۱۱۶۸ تا ۱۱۷۹ قانون مذکور حکم بر بی‌حقی و رد دعوی مطروحه صادر و اعلام می‌گردد.	در خصوص تجدیدنظرخواهی خانم م.ک. ... نسبت به دادنامه شماره ۱۴۴۰- ۹۱/۹/۱۸ اصداری از شعبه ۲۵۰ دادگاه حقوقی (خانواده) تهران که به موجب آن دعوی تجدیدنظرخواه به خواسته تفویض حضانت فرزندانشان مشترک به اسامی دوشیزگان الف. متولد ۱۳۷۹ و الف. متولد ۱۳۸۱ به لحاظ خروج از حضانت اطفال حکم بر بی‌حقی صادر گردیده است ضمن رد اعتراض حکم تجدیدنظرخواسته را تأیید می‌نماید.

ردیف	شماره دادنامه / تاریخ	خواسته	خواسته	رای دادگاه بدوی	رای دادگاه تجدیدنظر
10	910997 022230 02147 18/11/1 391	پدر	مادر	واگذاری حضانت دخترش	در خصوص تجدیدنظرخواهی آقای ح.م. به طرفیت خانم س.ش. نسبت به دادنامه شماره ۱۲۱۱ مورخ ۹۱/۸/۲۴ صادره از شعبه ۲۳۸ دادگاه عمومی تهران که به موجب آن دعوی تجدیدنظرخواه به خواسته واگذاری حضانت فرزند مشترک به وی محکوم به رد اعلام شده است نظر به اینکه فرزند مذکور به نام ف.م. در حال حاضر به سن بلوغ رسیده و از مدار حضانت ابوبین خود خارج گردیده و در مورد اینکه با کدام یک از والدین خود زندگی کند مختار است و لذا دعوی تجدیدنظرخواه قابل استماع نمی باشد به همین سبب با استناد به ماده ۳۵۸ قانون آیین دادرسی مدنی دادنامه تجدیدنظرخواسته نقض و با استناد به ماده ۲ قانون یادشده قرار رد دعوا صادر می گردد.
		با توجه به اینکه حسب تحقیقات انجام شده من جمله نظریه متخصص مشاوره و روان شناسی، مصلحت طفل مشترک ایجاب می نماید که حضانت وی همچنان با مادرش باشد. لذا مستند به تبصره ماده ۱۱۶۹ قانون مدنی و ماده ۱۹۷ قانون آیین دادرسی مدنی حکم به رد دعوی خواهان صادر و اعلام می گردد.			

ردیف	شماره دادنامه / تاریخ	خواسته	خواسته	رای دادگاه بدوی	رای دادگاه تجدیدنظر
11	910997 022450 2039 04/ 11/ 1391	صدور حکم بر حضانت فرزند مشترک دختر ۹ ساله	خواسته <td>رای دادگاه بدوی</td> <td>رای دادگاه تجدیدنظر</td>	رای دادگاه بدوی	رای دادگاه تجدیدنظر
				... نظر به اینکه بر طبق تبصره ۱ ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی سن بلوغ در پسر ۱۵ سال تمام قمری و در دختر ۹ سال تمام قمری می‌باشد، به موجب مستفاد از مادتين ۱۱۶۸، ۱۱۶۹ از همان قانون به محض رسیدن اطفال به سن بلوغ موضوع حضانت منتفی می‌شود چه اینکه حضانت مخصوص اطفال است و انسان بالغ طفل نیست و افرادی که به سن بلوغ می‌رسند، می‌توانند مشخصاً اتخاذ تصمیم نمایند و با هریک از والدین که مایل می‌باشند زندگی کنند و به‌سر ببرند. در پرونده حاضر با توجه به محتویات پرونده، فرزند مشترک یادشده به سن بلوغ رسیده است؛ لذا دعوی اقامه‌شده غیرموجه تشخیص و مستنداً به مواد مرقوم حکم بر بطلان آن صادر و اعلام می‌شود.	... در خصوص تجدیدنظرخواهی آقای م.ن. به طرفیت خانم الف.الف. از دادنامه شماره ۹۰۱۴۵۱ مورخه ۱۳۹۱/۹/۲۹ شعبه محترم ۲۶۹ دادگاه خانواده دو تهران که به موجب آن، حکم به بطلان ادعای زوج با خواسته حضانت و سرپرستی نسبت به فرزند مشترک به نام ن. متولد ۱۳۸۲/۹/۱۵ شمسی و با خواسته پدر طفل موردنظر و به شرح استدلال به عمل آمده از سوی دادگاه بدوی صادر گردیده وارد نمی‌باشد.

ردیف	شماره دادنامه / تاریخ	خواسته	رأی دادگاه بدوی	رأی دادگاه تجدیدنظر
			... در خصوص خروج از حضانت، قانون مدنی ماده صریحی ندارد، گرچه با توجه به تبصره ۱ ماده ۱۲۱۰ که سن بلوغ در پسر پانزده سال تمام قمری و در دختر نه سال تمام قمری است، استنباط می‌شود که طفل کسی است که به سن بلوغ نرسیده باشد و حضانت نیز در خصوص اطفال است، نتیجه گرفته می‌شود که خروج از حضانت با بلوغ محقق می‌شود لکن با توجه به مسأله ۱۸، القول فی احکام الولاده و ما يلحق بها، کتاب النکاح تحریر الوسیله حضرت امام خمینی (ره) که می‌فرماید: «تنتهی الحضانه ببلوغ الولد رشیداً، فاذا بلغ رشیداً لیس لاحد حق الحضانه علیه الابوین، بل هو مالک لنفسه ذکراً کان او انثی»، خروج از حضانت علاوه بر بلوغ متوقف بر رشد فرزند هم می‌باشد	دادگاه تجدیدنظر حکم دادگاه بدوی مبنی بر ذی سمت بودن مادر در درخواست افزایش نفقه را با استدلال قاضی بدوی (مبنی بر اینکه بنابه تحریر الوسیله امام خمینی، خروج از حضانت علاوه بر بلوغ متوقف بر رشد نیز می‌باشد) ثابت دانسته، همچنین قسمت دوم دادنامه واخواسته دایر بر تعیین اجرت نگهداری طفل مورد نظر از قرار ماهیانه یک صد و پنجاه هزار تومان پس از رسیدگی واخواهی نقض و به شرح استدلال به عمل آمده از سوی دادگاه بدوی حکم بر بی‌حقی خواهان بدوی در این مورد صادر گردیده که مورد تجدیدنظر خواهی خواهان واقع شده است وارد نمی‌باشد.
12	920997 022450 0460 27/ 03/ 1392	واخواهی نسبت به دادنامه 9109970216300593 به شرح ذیل: دختر ۹ ساله که در حضانت مادر می‌باشد، مادر تقاضای افزایش نفقه را داشته، در ضمن با استناد به سن دختر، تکلیفی نسبت به وی ندارد، درخواست اجرت برای نگهداری کودک از پدر داشت.	دادگاه تجدیدنظر حکم دادگاه بدوی مبنی بر ذی سمت بودن مادر در درخواست افزایش نفقه را با استدلال قاضی بدوی (مبنی بر اینکه بنابه تحریر الوسیله امام خمینی، خروج از حضانت علاوه بر بلوغ متوقف بر رشد نیز می‌باشد) ثابت دانسته، همچنین قسمت دوم دادنامه واخواسته دایر بر تعیین اجرت نگهداری طفل مورد نظر از قرار ماهیانه یک صد و پنجاه هزار تومان پس از رسیدگی واخواهی نقض و به شرح استدلال به عمل آمده از سوی دادگاه بدوی حکم بر بی‌حقی خواهان بدوی در این مورد صادر گردیده که مورد تجدیدنظر خواهی خواهان واقع شده است وارد نمی‌باشد.	دادگاه تجدیدنظر حکم دادگاه بدوی مبنی بر ذی سمت بودن مادر در درخواست افزایش نفقه را با استدلال قاضی بدوی (مبنی بر اینکه بنابه تحریر الوسیله امام خمینی، خروج از حضانت علاوه بر بلوغ متوقف بر رشد نیز می‌باشد) ثابت دانسته، همچنین قسمت دوم دادنامه واخواسته دایر بر تعیین اجرت نگهداری طفل مورد نظر از قرار ماهیانه یک صد و پنجاه هزار تومان پس از رسیدگی واخواهی نقض و به شرح استدلال به عمل آمده از سوی دادگاه بدوی حکم بر بی‌حقی خواهان بدوی در این مورد صادر گردیده که مورد تجدیدنظر خواهی خواهان واقع شده است وارد نمی‌باشد.

منابع

الف) فارسی

۱. آذری، هاجر و طباطبایی حصارى، نسرین (۱۳۹۶). چالشهای نظام حقوقی ایران در الحاق به معاهدات حقوق بشری از دیدگاه حقوق بین‌الملل. *مجله حقوق تطبیقی*، ۸ (۱)، ۲۴-۱.
۲. الشریف، محمدمهدی و آرای، حمید (۱۳۹۶). پلورالیسم استدلال حقوقی در پرتو تفسیرهای متعارض. *حقوق تطبیقی*، جلد سیزدهم، ۱ (پیاپی ۱۰۷)، ۲۶-۳.
۳. انصاری پور، محمدعلی (۱۳۹۹). پایان حضانت با بلوغ است یا بلوغ و رشد؟ *فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی*، ۵۰ (۴)، ۶۶۳-۶۴۷.
۴. بندرچی، محمدرضا (۱۳۸۳). حضانت در فقه و قانون - بحثی در ماده ۱۱۶۹ قانون مدنی، *نشریه فقه اهل بیت*، ۳۷ (بهار)، ۱۴۶-۱۳۱.
۵. توحیدی، احمدرضا و کیخسروی، مهدی (۱۳۹۷). دستیابی به حقوق بشر کودکان از رهگذر بررسی تفصیلی مفهوم بهترین مصلحت کودک در آموزه‌های حقوقدانان بین‌المللی. *فصلنامه تحقیقات حقوقی معاصره*، ۳ (۳)، ۱۷۱-۱۹۱.
۶. روشن، محمد و حمدی، حسن (۱۳۹۸). مصالح عالیله کودک در حقوق و رویه قضایی ایران و کنوانسیون حقوق کودک. *فصلنامه حقوق کودک*، سال اول (۱)، بهار، ۳۶-۱۱.
۷. سعیدی گراغانی رحمت‌الله و کیخا محمدرضا (۱۳۹۷). بررسی فقهی و حقوقی عنصر مصلحت در قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱. *فصلنامه پژوهشهای فقه و حقوق اسلامی*، سال چهاردهم، ۵۲ (تابستان)، ۱۱۰-۹.
۸. غنی‌زاده بافقی، مریم (۱۳۹۸). نسبت سنجی وضعیت کودکان دارای معلولیت با مصالح عالیله کودک در پرتو قوانین ایران و اسناد بین‌المللی. *مطالعات حقوق تطبیقی*، ۱۰ (۲)، ۶۱۶-۵۹۸.
۹. صفایی، سید حسین؛ عراقی، سید عزت‌الله؛ امامی، اسدالله؛ قاسم‌زاده، سید مرتضی؛ صادقی، محمود؛ برزویی، عباس؛ حمیدزاده، احمد و آهنی، بتول (۱۳۸۷). *بررسی تطبیقی حقوق خانواده*. موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ دوم.
۱۰. محسنی، مهدی (۱۳۹۶). *نقش داورى و مراکز مشاوره خانواده در فرایند طلاق با تاکید بر آرای قضایی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد واحد نراق.
۱۱. هدایت‌نیا، فرج‌الله (۱۳۹۵). *طرح تلفیق داورى و مشاوره در دادگاه خانواده*. *فصلنامه تخصصی دین و قانون*، ۱۳ (۱۳)، پاییز.

ب) انگلیسی

1. Ackerman, M. J. (2006). *Clinician's Guide to Child Custody Evaluations*. Published by John Wiley & Sons, inc., Hoboken, New Jersey.
2. Al-Sharif, M and Araei, H (2016). "Pluralism of legal reasoning in the light of conflicting interpretations", *Comparative Law*, Volume 13, Number 1 (107 series), pp. 26-3 (*In Persian*).
3. Ansari-pour, M (2019) "Does custody end with maturity or maturity and growth?",

- Private Law Studies Quarterly, Volume 50, Number 4, pp. 663-647 (In Persian).
4. Azari, H and Tabatabai-Hissari, N (2016). "Challenges of Iran's legal system in joining human rights treaties from the perspective of international law", Journal of Comparative Law, Volume 8, Number 1, pp. 1-24 (In Persian).
 5. Babb, B. A., Danziger, G., Moran, J. D., & Mack, W. A. (2009). *Child Custody Evaluations : Review of the Literature and Annotated Bibliography*. Available at SSRN 2496930
 6. Bailey, R., Dana, D., Bailey, E., & Davis, F. (2020). The Application of the Polyvagal Theory to High Conflict Co-Parenting Cases. *Family Court Review*, 58(2), 525–543. <https://doi.org/10.1111/fcre.12485>
 7. Bandarchi, M (2004). "Custody in jurisprudence and law - a discussion on Article 1169 of the Civil Code", Ahl al-Bayt Fiqh Journal, No. 37, Spring, pp. 131-146 (In Persian).
 8. Bow, J. N., & Quinnell, F. A. (2002). a Critical Review of Child Custody Evaluation Reports. *Family Court Review*, 40(2), 164–176. <https://doi.org/10.1111/j.174-1617.2002.tb00827.x>
 9. Donohue, W. O., & Bradley, A. R. (1999). *Conceptual and Empirical Issues in Child Custody Evaluations, Clinical Psychology: Science and Practice*, V6, N3, Fall.
 10. Emery, R. E., Otto, R. K., & Donohue, W. T. O. (2005). Psychologicals Science in the Public Interesr. *A Critical Assessment of Child Custody Evaluations Limited Science and a Flawed System*. 6(1), 1–29. DOI: 10.1111/j.1529-1006.2005.00020.x
 11. Fidler, B. J., & Bala, N. (2020). Guest Editors' Introduction to the 2020 Special Issue on Parent–Child Contact Problems: Concepts, Controversies & Conundrums. *Family Court Review*, 58(2), 265–269. <https://doi.org/10.1111/fcre.12471>
 12. Fischel-wolovick, L. (2020). Battered mothers and children in the courts : A lawyer's view, 246–261. <https://doi.org/10.1002/aps.1669>
 13. Garber, B. D. (2020). *Special Issue : Parent-Child Contact Problems : Concepts, Controversies, & Conundrums Case Evaluation and Response Sherlock Holmes and the Case Of Resist / Refuse Dynamics : Confirmatory Bias and Abductive Inference In Child Custody Evaluations*, 58(2). <https://doi.org/10.1111/fcre.12478>
 14. Gardner, R. A. (2004). Articles Commentary On Kelly And Johnston's "The Alienated Child : A Refomulation Of Prenal Alienation Syndrome", *Family Court Review* , 39 (3), July 2001. 42(4).
 15. Ghanizadeh Bafghi, M (2018). "Relativity of the situation of children with disabilities with the best interests of the child in the light of Iranian laws and international documents", Comparative Law Studies, Volume 10, Number 2 (In Persian).
 16. Gould, J. W. (1999). Part Ibo : A Paradigm for Forensic Evaluation of Child Custody Determination, 37(2), 159–178.
 17. Hartenstein, J. L. (2016). Tender Years Doctrine. *Encyclopedia of Family Studies, October*, 1–4. <https://doi.org/10.1002/9781119085621.wbef5449>.
 18. Hedayat-Niya, Faraj-Allah (2015) "A plan to combine arbitration and counseling in the family court", Specialized Quarterly Journal of Religion and Law, No. 13, Autumn (In Persian).
 19. Hysjulien, C., & Benjamin, G. A. H. (1994). Child Custody Evaluation A Review of Methods Used in Litigation and Alternative Dispute Resolution. 32(4), 466–489.
 20. Jaffe, G., P., Crooks, C. V., & Bala, N. (2009). A Framework for Addressing Allegations of Domestic Violence in Child Custody Disputes. July, <https://doi.org/10.1080/15379410903084517>

21. Kelly, J. B. (2010). Commentary on "Family Bridges: Using Insights From Social Science To Reconnect Parents and Alienated Children", (Warshak, 2010). *Family Court Review*, 48(1), 81–90. <https://doi.org/10.1111/j.1744-1617.2009.01289.x>.
22. Kelly, J. B., & Johnson, M. P. (2008). Differenti Among Types OF Intimate Partner Violence : Research Update AND Implications For Internentions. 46(3), 476–499.
23. Kelly, R. F., & Ramsey, S. H. (2009). Child Custody Evaluations: Social Science Child Custody Evaluations : The Need For Systems- Level Outcome Assessments,*. 47(2), 286–303.
24. Kelly. (1994). The determination of child custody, *The Future of Children / Center for the Future of Children, the David and Lucile Packard Foundation*, 4(1), 121–142. <https://doi.org/10.2307/1602481>.
25. Massimillo Webster, A. (2022). *Specific Factors Influencing Child Custody Evaluations*, (Vol. 7, Issue 2).
26. Max Werner. (1987). A C0mprehensive Child Custody Evaluation Protocool By Max Werner *. 25(21), 1–7.
27. Mohseni, M (2016) "The role of arbitration and family counseling centers in the divorce process with an emphasis on judicial decisions", Master's thesis, Naraq Branch Azad University ([In Persian](#)).
28. Quinnell, F. A., & Bow, J. N. (2001). Psychological Tests Used In The Child-Custody-Evaluations, *Behavioral Sciences and the Law*, 19: 491-501.
29. Rešetar, B., & Emery, R. E. (2008). Children’S Rights in European Legal Proceedings: Why Are Family Practices So Different From Legal Theories?, *Family Court Review*, 46(1), 65–77. <https://doi.org/10.1111/j.1744-1617.2007.00193.x>.
30. Roshan, Mand Hamdi, H (2018) "The rights of the child in Iranian law and judicial procedure and the Convention on the Rights of the Child", *Children's Rights Quarterly*, 1st year, 1st issue, Spring ([In Persian](#)).
31. Safai, H; Iraqi, S; Emami, A.; Sadeghi, M; Barzoui, Abbas; Hamidzadeh, Ahmad and Ahani, Betul (2007). omparative study of family law, Publishing and Printing Institute of Tehran University, second edition ([In Persian](#)).
32. Saidi-Graghani R and Kikha M (2017) "Jurisprudential and legal review of the element of expediency in the family support law approved in 2018", *Islamic Jurisprudence and Law Research Quarterly*, 14th year, number 52, summer, pages 9-110 ([In Persian](#)).
33. Saidi-Graghani R and Kikha M (2017) "Jurisprudential and legal review of the element of expediency in the family support law approved in 2018", *Islamic Jurisprudence and Law Research Quarterly*, 14th year, number 52, summer, pages 9-110 ([In Persian](#)).
34. Simon, R. A., & Stahl, P. M. (2014). Analysis in Child-Custody-Evaluation Reports : A Crucial Component Analysis in Child-Custody-Evaluation Reports : *A Crucial Component*, *September*.
35. Stark, D., Choplin, J., & Wellard, S. (2019). Properly Accounting for Domestic Violence in Child Custody Cases: An Evidence-Based Analysis and Reform Proposal. *Michigan Journal of Gender & Law*, 26(26.1), 1. <https://doi.org/10.36641/mjgl.26.1.properly>.
36. Tahidi, A and Keikhosravi, M (2017). "Achieving children's human rights through a detailed review of the concept of the best interest of the child in the teachings of international lawyers", *Treaty Legal Research Quarterly*, No. 3 ([In Persian](#)).
37. Virtue, Frances. M. (2011). Applying Case Study Methodology To Child Custody Evaluations. *Family Court Review*, Vol. 49,(2), 336-347.